

رساله موسوم به
۷۰۷


ملاحمه

در حکام و خرد و فای و غیره

بازدید شد
۱۳۸۲

واحد کتابخانه
۷۳۲
۹۱۴۷

بازدید ۱۳۴۰

اسم کتاب ملاحمه		
مؤلف: مشرب بردنای		
موضوع: تألیف		مؤسسه: ۱۳۰۲
شماره دفتر: ۱۲۷۸۷	۹۵۵۴	۷۰۳۲۸

خطی - فهرست شده
۶۵۵۴

۹۳

۹۳

رساله موسوم به

ملاحمه

در حکام و خزائن و غیره

بازدید شد
۱۳۸۲

۱۰۰۱

داخل کتابخانه قدس شده
۷۳۲
۱۳۸۲
۹۱۶۷

اسم کتاب: ملاحمه		مؤلف: مشرب بزازنالی		موضوع: تاریخ	
۹۵۵۴		۴۵۵۴		۱۲۷۸۲	
مؤسسه: ۱۳۰۲		شماره دفتر: ۱۲۷۸۲		۷۳۲	

10

20

۹۳

رساله موسوم به
لا و رک

ملاحمه


در حکام و خرفه و غیره

بازدید شد
۱۳۸۲

کتابخانه مسجد النبی
شماره ۷۳۲
۱۳۸۲

بازدید ۱۳۴۰

۱۰۵۷

اسم کتاب ملاحمه		
مؤلف مشرب بدائنی		
موضوع تألیف	۹۵۵۴	مؤسسه
شماره دفتر	۴۵۵۴	۱۳۰۲
۱۲۷۸۷	۷۰۲۹	

نظری - فهرست شده
۶۵۵۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
حمد و سپاس لک الملک لک العلماء حوادث مختلفه عالم
شمه از نمونه لطف او تواند بود و در دنیا محدود و در آخرت
موجودات که غرض از خلقت کردم و عالم ظهور جلوه
بیمثال او بود و تجلیات و صلوٰت بیکران برآل و
پاک او که حب و بغض ایشان موجب نجات کونین و
باعث عذاب دارین است صلوات الله علیهم اجمعین
الطیبین الطاهرین باید داشت که این
کتاب را دانیال پیغمبر در باب دلیل
علامات و حوادث که در عالم واقع شود تا لیف
کرده است و موسوم بکلامه کرد اینده و این مختصر
امام جعفر صادق از کتاب دانیال پیغمبر استخراج نموده است

و چون

بازرسی شد
۱۳۰۲ - ۱۳۰۳

و چون معنی کلامه بسیاری رموز هست و در این مختصر
غون ریختن بسیار واقع شده و دانیال پیغمبر و بر امامه نام
نموده و مقصود از تالیف این مختصر آنست که چون
حوادث که در عالم واقع شود نظر در این کتاب
کنند و اگر حتمش بر خدای عزوجل شد کنند و
شرط احسان و خیرات بجای آورند دلیل
بر شد و فتنه بود از رف و و معصیت توبه کنند و در طاعت
و عبادت بیفزایند تا حق تعالی بفضل و کرم خویش شرف
از ایشان بگرداند و برابر باب دانش پوشیده نیست
که خدای تبارک و تعالی هر چیزی را بحکم خویش بسجده کرده است
چنانکه در کلام مجید خود فرموده وَ أَتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ
سَبَبًا فَاتَّبَعْ سَبَبًا بِرِيقَصْنَى هَیْ مِنْ آیه حدیث
وارد است قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم

پس برین تقدیر سبب علامات که واقع شود بحث
 عدل و قسم تواند بود لهذا امید از سبب الاسباب
 آنست که پیوسته علامات که دلیل بر خیر بود بر زمیندار
 ندارد احکام این اوراق بر حسب ماهها و روزهاست
 و مثل است بر روز زده باب و هر باب سبب
 پنج فصل و چون وصول الی کتاب معتبر در این
 نسخه مندرجست این مختصر را علامه موسوم
 گردانیدیم و امید که مصنف از روی خراموشی
 فرماید **باب اول** در احکام از ماه رجب و موافق
 خرداد ماه از ماه سه و یک روز بود و چهارم
 وی روز و شب از ماه فرقی و چون چهار روز
 از وی بگذرد دست را جمیع بر آید و بزره فروشد
 و چون

باب
 ۱

و چون شازدهام شود مقدم بر آید و طهر نه فرو شود
 مؤخر بر آید دعوی فرو شود و در این ماه سپاه بلغم
 منهدم و سپاه خون منصور بود و فصد کردن و جفا
 کردن مفید شد و غذای این وقت چیزهای
 لذیذ و گرم و تر باید مثل گوشت و تخم مرغ و تراب
 های معتدل و از غذای غلیظ احتراز باید کرد
 مثل سیر و پیاز و امثال آن تا مزاج آن نازد
 استقامت مخوف نکرد **فصل اول** در جسم
 کوفت اگر در این ماه کوفت آفتاب واقع
 دلیل است بر هلاک پادشاه و ولایتش
 و یا یکی از بزرگان آن دیار و اگر رنگ آفتاب
 بوقت کوفت سرخ بود دلالت میکند بر فحطی

فله

تا

وکرانه نرختها و خوف و هراس مردم و نا امنی راها

و آشفته ولایات و الله اعلم **فصل دوم در حکم**

خوف اگر در این ماه خوف واقع شود دلیل است

بر زلزله گشت و زرع و کرانه نرختها و بسیار بودن

ماهر و مرغ ابیان و اسکان وقوع جدال و قتال

و خون ریختن و تلف شدن اموال مردم و کمر باران

و اگر نمیشد گرفته باشد دلالت میکند بر موت بسیار

در ولایت مهر بر هلاک شدن پادشاهان

و ولایت عرب و خروج کردن دشمنان دین و وقوع

حجاریه و مقتله و خون ریزش بسیار و بعضی از حکمای

قدیم گفته اند که در ولایت هند نیز پادشاهان

یابده و اگر نزدیک صبح گرفته باشد دلالت است بر

سال

۵۰
۲

سال و کثرت باران و زلزله نرختها خاچه در آفرین

و الله اعلم **فصل سیم در حکم دایره آفتاب اگر در این ماه**

دایره آفتاب واقع شود دلیل است بر خیز و برکت خسوف

در اول ماه و اگر در آخر ماه دایره بیند دلالت کند بر

دخصومت و خونریزش بسیار و عداوت مردم

بایک دیگر و کثرت باران و بسیاری بیماریها و فوت

شدن پادشاهان و ولایت هند و الله اعلم

فصل چهارم در حکم دایره ماه اگر در این ماه دایره

دلیل است بر کثرت نم و باران و زیاد آب چشمها

و رودخانه ها و نیکو بودن گشت و زراعت و عدل

و داد پادشاه اسلام نسبت به مال رعیت و اینم

ورق اهیست مردم و اگر در آخر ماه دایره واقع شود

۵۱
۳

۵۲
۴

مکر بظهور آید و الله اعلم **فصل پنجم** در حکم هلال اگر در این ماه هلال
برآید دلیل است بر زیان و نقصان مردم و اگر یک جانب
هلال بر خواجه باشد دلیل است بر خوب سال و نیکو بودن
وزراعت و بسیاری میوه و در زمانه نرختها و اگر قمر نمودن
هلال باران بسیار و آبل است بر بسیاری اطعمه و شرب و
ایمنی و معیشت و خوشتر کسب و ولایات و مردم و برون
برف و سرما و در زمستان و الله اعلم **فصل ششم** در حکم
ستاره یکسود اگر در این ماه ستاره یکسود در از جانب شرق
برآید دلیل است بر جنگ و فتنه در میان مردم بسیاری
حرامیان و راه زنان و خرابی اکثر مواضع و خروج کردن
خواجه بر پادشاه مشرق و ضعف احوال دین و وقوع
قتل و غارت و خون ریزش بسیار و جور و ظلم ملوک و
بر عرس

بر رعیت و بودن مخالفت در میان ولایت مشرق
اما اگر الا حرم پادشاه سلام بر دشمنان خود ظفر بر مردم
بی خود قرار گیرند و اگر از جانب مغرب برآید دلالت
میکند بر موت پادشاهان تنگ و فرنگ و عداوت
و خصومت مردم بایک دیگر و امکان جدال و قتل خوف
و هراس و حلیق و کران اطعمه و شرب و الله اعلم **فصل هفتم**
در حکم افتادن ستاره اگر در این ماه ستاره بزرگ بنفقه دلالت
میکند که پادشاه امر از ولایت دیگر بیاید و پادشاه اولاد
مغلوب و مقهور سازد و بی اقرار گیرد و انواع خرابی
ولایت رساند اما در آخر حال در صد و تلافی و تدارک
آن دیار باشد و احوال رعیت نیکو بود اما اثر این تاثیر است
بجایز و اقشوه که ستاره بنفقه و الله اعلم **فصل هشتم**

۹ در حکم قوس و قزح اگر در این ماه قوس و قزح بجانب شرق بینند
دلیل کند بر جنگ و خصومت میان دو پادشاه و کشنده شدن
یک کزایشان و ارزانی نرختها و بسیار محصولات اشجار
و اگر بجانب مغرب بود دلالت میکند بر بسیار حرکت
نمان و کثرت نم و باران و نقصان کشت و زراعت
و جهاد کردن پادشاه اسلام و ظفر یافتن در آخر سال
و اگر در آفرماه بینند دلیل است بر عداوت و نقص احوال
مردم تا مدت سه سال و قحطی و گران نرختها و امکنان نم
و باران و زلزله احوال مردم و ولایت روم و الله اعلم
فصل نهم در حکم حربه اگر در این ماه حربه در آسمان بینند
دلیل کند بر رونق حال اهل تجارت و اعیان اهل سیاحت
از بیم دهر اس و امکنان نم و باران و اگر بجانب مغرب بینند

دلالت

۱۰ دلالت میکند بر بسیاری موت و بیماریها تا مدت سه سال
و اندک کرانی اطعمه و بودن نم و باران و بسیاری ماهر و قزح
و نقصان کشت و زراعت کوه پایه یا از ملخ و عت و خطاب
پادشاه نسبت بحال اهل تجارت و نقصان اهل ارباب
در احوال تا مدت سه سال و الله اعلم **فصل دهم** در حکم
سرخی اگر در این ماه سرخ در آسمان بجانب شرق بینند دلیل
بر بلبوش احوال مردم و ارزانی نرختها و خوش معیشت مردم
و اگر در آفرماه بینند دلیل است بر جور و ستم ملوک بحال حقیقت
و اگر بجانب مغرب بینند دلالت میکند بر کرامت عظیم در صل
تموز و دراز کشن زمستان و بسیاری برف و صغفه و قزح
اکثر مواضع و رسیدن انواع پریش بر عیبت و اگر در آفرماه
بینند احوال مردم خیر بود و الله اعلم **فصل یازدهم** در حکم عجب

دل
۱۰

دل
۱۱

۱۱ اگر در این ماه عجایب در آسمان برینند دلیل است بر مرگ و غم
 و اندوه در ربع مسکون عالم و خوبه کشت و زراعت و بسیاری
 محصولات اشجار و خوبه کسب و ایمنی و ولایت خاصه دلاست
 خراسان و الله اعلم **فصل دوازدهم** در حکم شجره که در هر پیدایش
 اگر در این ماه صورت شجره در هوا پیدایش دلالت میکند بر قوت
 پادشاه معظم و آشفته ولایت و ایمنی را بهار و نوبه در آن
 و راه زنان و نیلونه کسب مردم و بسیاری محصولات
 خصوصاً خرما و انگبین و الله اعلم **فصل سیزدهم** در حکم
 اگر در این ماه رعد بخیزد دلیل است بر بسیاری نباتات و اگر
 در وقت غروب ماه زایده التور باشد دلیل کند بر صلاح احوال
 مردم و بسیاری خیر و برکت و اگر ماه ناقص التور باشد دلالت
 میکند بر نیلونه احوال و عاقبت مردم و ایمنی و ولایات و از آن

ذیل
۱۲

ذیل
۱۳

نرخها

نرخها خصوصاً جو و گندم و بسیاری لحوم و دوا و الله اعلم
فصل چهاردهم در حکم برق اگر در این ماه در خشدین برق
 واقع شود دلیل است بر قتال و جدال و نهیب غارت و
 غم و اندوه مردم و زلزله حال اهل تجارت و آفت حیوانات
 خاصه در آفراسیاب اما اطعمه و شراب فراوان بود و الله اعلم
فصل پانزدهم در حکم صاعقه اگر در این ماه آتش از هوا پیدایش
 دلیل است بر عداوت و خصومت ملوک و سلاطین و
 بایک دیگر و توفات مردم و ظلم و ستم پادشاهان نسبت
 بآل رعایا و سخت گذشتن زمرستان و کثرت برف و سرما
 و یخ بند و جستن برق و باد مخالف و الله اعلم
فصل شانزدهم در حکم باران اگر در این ماه باران ببارد
 دلیل است بر نیلونه کسب و معیشت مردم و این

ذیل
۱۴

ذیل
۱۵

ذیل
۱۶

۱۳ سال مردم در مهند امن و امان بیایند اما حیوانات

في الجملة آفرید و الله اعلم **فصل هجدهم** در حکم ترک اگر در اینها

ترک بیمار و دلیل است بر خون ریختن و منازعت شکریان

بایک دیگر و تشویش و اختلافت در میان مردم و اجتماع

اخبار اراجیف از اهل تجارت و دزدان و راه زنان

و الله اعلم **فصل هیجدهم** در حکم خاک سرخ اگر در اینها خاک

سرخ بیمار و دلیل است بر کرانه نرغها خاصه حیوانات

و وقوع محاربه و مقاتله و خون ریختن و خوف و ارکان

مردم و نایمن ولایت از نسب قطع الطریق و غم داند

عامه خلاص از کرب و معشت و الله اعلم

فصل نوزدهم در حکم باریدن و زغ اگر در اینها و زغ بیمار و دلیل

کند بر بسیار بودن نم و باران و زیادتی آب چشمه ها

و نیلونه

ذل
۱۳

ذل
۱۴

ذل
۱۵

و نیلونه گشت و زراعت و نباتات و آفت سیدن

محصولات اشجار و خوبه کب و معیشت و کرب بیمار و الله

اعلم **فصل بیستم** در حکم غبار اگر در اینها غبار صعب در هوا

پیدا شود دلیل است بر عداوت و خصومت مردم

بایک دیگر و املان محاربه و مقاتله و بسیار اراجیف

و کثرت بیمارها و زبونی نباتات و آفت حیوانات و بسیاری

میوه ها و کرب عظیم در فصل تابستان و الله اعلم

فصل بیست و یکم در حکم تاریک اگر در اینها تاریک در هوا پیدا

شود دلیل است بر حرکت نمودن پادشاهان و وقوع

بیماریهای صعب و غم داند و رعیت از جور ملوک

و نیلونه گشت و زراعت و بسیاری حیوانات و خوش

کب و معیشت و الله اعلم **فصل بیست و دوم** در حکم

و نیلونه

ذل
۱۶

ذل
۱۷

ذل
۱۸

جا

جا

جا

۱۵ باد اگر در این ماه باد سخت بجهند دلیل است بر نیکی کشت
 و زراعت و نباتات و بودن بیماریهای صعب و اندو
 عامه خلایق و موت زنان و دختران و آفت رسیدن
 اشجار از کثرت باران و الله اعلم **فصل بیست و نهم**
 بابت اگر در این ماه بابت از هر ایشوند دلیل است بر عداوت
 و خصومت مردم بایک دیگر و فتنه میان ازواج
 و شرکا و بسیاری بیماریهای صعب و از زلزله نرغها
 و الله اعلم **فصل بیست و دهم** بابت اگر در این ماه
 بابت از زمین بشنوند دلیل است بر موت پادشاه
 آند یا ر و غم و اندوه مردم و بدی احوال تجار و زنب
 و زدن در راه زنان و تحطی در کار نرغها خصوصاً در
 سال و الله اعلم **فصل بیست و یکم** بابت اگر

۲۳

۲۴

۲۵

در این ماه

۱۶ در این ماه زلزله واقع شود دلیل است بر جنگ و خصومت
 و خون ریزش بسیار خصوصاً در ولایت عراق و مصر
 کثرت اراجیف و بد احوال عامه خلایق و تلف شدن
 حیوانات و اگر زلزله بروز بود دلیل بر وفات پادشاه
 آن دیار و یا ائمه و ولایات از بسبب زدن و زلزله
 و بسیار موت در ولایت روم و وقوع عداوت
 میان سلاطین مشرق زمین و رسیدن انواع ستم
 بر رعیت آن دیار و اگر در این ماه زلزله ستره بزرگ
 بیفتد دلالت میکند بر جنگ و خصومت و اختلاف
 در میان مردم و جور و ستم ملوک بحال رعیت و زنان
 کشت و زراعت و بسبب طاعون و پدید آمدن قحطی و کرانه
 زرخ حیوانات و اگر زلزله در این ماه واقع شود شتر و
 و موت بسیار متصور شود و رعیت از پادشاه ستم

والله اعلم **باب دوم در احکام نین ماه روم برانکه**
 نین ماه یک روز است چون روز دهم در شوال
 رشت برای و شره فرو رشت روز بیست و دوم شوال
 برای و عفران فرو رشت و در این ماه آب چشمه و جوهرها
 زیاد است شود و ماهیان فربه شوند و مزاج فصل قوی گردد
 و در جانب مشرق بادهای مخالف بسیار وزد و در این
 فصل از غذا مثل گوشت و سرکه موافق مزاج باشد و جماع
 کردن و بکر با به رفتن مفید بود و آب بنیشت خوردن و
 غذاهای غلیظ مثل روغن و امثال آن تناول نمودن
 و بوی بوییدن مضرت رساند و اگر در این ماه هلال
 بمنزل شوالین بود دلیل است بر بسیار رخ و باران خوش
 کسب و معیشت مردم و نیلونه سال و اگر یازده ماه
 باران بنبارد البته در ماه دوازدهم یازدهم شود و اگر
 چنانچه

چنانچه در آن یکماه هم بارندگی واقع نشود دلیلست بر خشک
 جبار بر مردم آن دیار و وفات آدم صغی الله در دهم این ماه بوده
فصل اول در حکم کوف اگر در این ماه کوف آفتاب واقع شود
 دلیل است بر بیدار آمدن حوادث و عجیبات در ریح سلون
 عالم و ظهور یک از علما و این که بغایت بفضل باشد و اکثر اخبار
 اراجیف و وقایع بیمار بهار صعب و بسیار صیحه میخورد که
 اندک نقصان محصولات اشجار واقع شود و اگر در آن آفتاب
 بوقت کوف سرخ بود دلالت میکند بر جنگ و عداوت
 و خون ریزش بسیار و موت یک از پادشاهان معظم الله
فصل دوم در حکم خوف اگر در این ماه خوف واقع شود
 واقع شود دلیل است بر خصومت و عداوت مردم با یک
 دیگر و امکان قتل و خون ریزش بسیار و بودن امراض غلیظه
 مثل درد سر و درد چشم و سرخه و آماس و کمر محصولات اشجار

و ۱

و ۲

۱۹ حضور انور اگر نیم شب یا نزدیک بصر کوفه شاه دلاست میکند
بر صبح پادشاهان بایک دیگر و بسیار رخ و باران و از زان تر خا آقا
در ولایت چین و عراق قحط و خون ریزش بسیار سمت و قحط پدید
و الله اعلم **فصل سیم** در حکم دایره آفتاب اگر در این ماه دایره آفتاب
واقع شود دلیل است بر زوال دولت بعضی سلاطین عالم قرار
و بلند شدن مرتبه دوان و خوب گشت و زراعت و بیابان
معروف و مشهور و بسیار مرگ اطفال و وزیدن بادهای
مخالف و فوت شدن یک از بزرگان ولایت شام و بودن
در چشم و اگر بوقت دایره باران و رعد و برق واقع
دلیل است بر بسیار سیوف و زیادت شدن آب چشمه
و رودخانه و الله اعلم **فصل چهارم** در حکم دایره ماه اگر در این
ماه دایره ماه واقع شود دلیل است بر قحط و استقلال
ملوک و سلاطین و عدل و داد از ایشان نسبت به کمال
رعیت

ذال
۳

ذال
۴

رعیت و اینم ولایات و زیاده شدن آب چشمه و ورود
خانه و خوب بنات و جو بات و نقصان در کلب
و معیشت مردم و در از گذشتن رستان و بودن
و یخ بند و خرابی بعضی مواضع از بادهای مخالف و الله
اعلم **فصل پنجم** در حکم هلال اگر در این ماه هلال است
بر آید دلیل است بر فوت زنان و دختران و دشواری
وضع حمل و اگر یک جانب هلال بر خسته شاه دلیل است
بر بیماری موت اطفال خصوصاً از آنکه و بسیار رخ و باران
و الله اعلم **فصل ششم** در حکم ساره لیسو دار اگر در این ماه
ساره لیسو دار بر آید دلیل گداز جنگ و حضور
میان ملوک و سلاطین و وفات یک از پادشاهان
معظم و از زان تر خفا و پدید آمدن قحط و مرگ بسیار
در ولایت روم و بابل از امراض مختلفه خصوصاً و یاقان

ذال
۵

ذال
۶

۲۱ ونا ایمنی و لایب است از نسب و زوان و راه زنان

و امکان بهارهای صعب خاصه در ولایت فارس

و الله اعلم فصل هفتم در حکم شماره اگر در

این ماه شماره بزرگ بپوشند و لیل است برفوت
که از سلطین عالمه دار و انواع ظلم و ستم از شکست

مخالفت حضرات نسبت بر و سنا یان و صحرانشینان

و کشته اخبار از اجنه و بدی اهل کجای و نا ایمنی

و لایب است و الله اعلم فصل هشتم در حکم قوس

و فرخ اگر در این ماه قوس و فرخ بجانب مشرق

پیدا شود و لایب است بر غضب ملک و سلطین ابرار

و حکام و فرخ جنگ و خصومت و خونریزی بسیار

خاصه در ولایت مغرب و امکان منار غمت و سنان

مردم و در ولایت امدان و بسیاری نم و یاران و

فصل

فصل

بیماری

و بهارهای صعب خصوصاً در ولایت بابل و اگر

قوس و فرخ بجانب مغرب بپوشند و لایب است بپند بر

فعلی و کرااله نر خا خاصه در مغرب زبان و ولایت

مصر و وزیدن بادهای مخالف و نیکو بودن عجبوت

و قوس حال و خوشی و سقعت با قوس اهل کجای

حضرت در آخر سال و الله اعلم فصل نهم

در حکم حربه اگر در این ماه حربه بجانب مشرق

بپوشد و لیل است بر قحطی و کرااله و مرگ بسیار

در ولایت فارس و خراسان و بسیاری ظلم

و ستم در ولایت در ولایت مشرق و زبان

و اگر بجانب مغرب نمودار شود و لایب است بپند

بر فوت پاوشاه آند بار و وقوع جنگ و خصومت

و خون ریختن بسیار خاصه در ولایت بسیاری

۲۲

فصل
۹

نم و یاران

فصل ۱۱

۲۴
م و باران و الله اعلم فصل دهم در حکم سرخی
الر در این ماه سرخی در آسمان پیدا شود و دلیل است
بر قسقه و آشوب خنصر و در ولایت خراسان
و فارس اما در آخر سال اینک ولایت و مردم به
باجله راحت بعد و اگر بجانب مغرب میگرد
دلالت میکند بر جنگ و خصومت و آشفتگی و
و سخت کشیدن زمین و بسیاری برف و یخب
و زلزله آب چشمها و رو و خانها و الله اعلم
فصل یازدهم در حکم عجائب اگر در این ماه
عجائب در آسمان بیاید و دلیل است بر نقصان
احوال خداوندان مال و اهل کجای و انواع ستم
از طرف سلاطین بکمال این طیفه و آفت
رسیدن لشکرها و زبانی سفر بر می خواند الله اعلم
فصل

فصل ۱۱

فصل دوازدهم در حکم شخصی که در این ماه
شود اگر در این ماه شخصی در میاید باید بدلیل است
بر فروغ یا اندک سلاطین عالم و غم و افزوده مردم
و بدون بیماریهای صعب و بسیاری مرگ مفاجئه
و امکان خونریزی بسیار و زلزله احوال و وسایل
و دافین و صواششان و الله اعلم فصل نوزدهم
در حکم رعد اگر در این ماه رعد بفرود آید
بر غیب نمون طوک و سلاطین بر خیزد و عدل
و او و بسیاری غله و مجموع جریات و اگر بر پشت
غریب در عده ماه زاید الزلزله و دلالت بر بسیاری
اطعمه و اشربه و افام بسیار و کثرت عفت و مناکحت
و اگر بر پشت غریب در ماه ناقص الزلزله و دلیل است
بر آنچه گفته سال آینده بطلد آید و الله اعلم
فصل

فصل ۱۲

فصل ۱۲

ذل
۱۳

فصل چهارم در حکم برق اگر در این ماه
برق بکشد و لیل است بر بیماری بسیار خاصه و زود
بایل و اگر در وقت درختیدن برق باد سخت
بکشد و لیلست بر هلاکت که از بادش آن معظم
ولاست مشرق و اگر برق از جانب مغرب بکشد
ولاست کند بر کوه که شش سال و بیماری
جرباها و سپردار آن نترخا و ملک شدن مرد
مشا به و پارسایان و امراض مختلفه خصوصاً کرم
و سرفه آقا در آخر سال از انعام بجه و مردم بدارت
رسد و الله اعلم فصل پانزدهم در حکم
صاعقه اگر در این ماه صاعقه آتش از برق بیفتد
ولاست کشتیر بیماری جنگ و خضر و
آتشک و لایات و غم و اندوه عامه خلایق و زلزله
نیمه باران

ذل
۱۵

نیمه باران و بیماری مرد حیوانات و وقت
رسیدن محصولات و اشجار و الله اعلم
فصل شانزدهم در حکم باران سخت
اگر در این ماه باران سخت بیارد و لیلست
بر مبارکه سال و در غیبت مومن مردمان بر خیر
و طاعات و نیکوئی کسب و معیشت مردم
و بعضی از حکما قدیم گفته اند که نیز و لیلست
بر مضرت رسیدن بکرم و حطام اما غله و حبوبات
مراوان باشد و نیمه باران در این سال بسیار
بهر و باد های مخالفه بجه و سال بجا است
این کفر و الله اعلم فصل هفدهم
در حکم ملک اگر در این ماه ملک بیارد و لیلست
بر بیماریهای معصب و فرغ قتلای ناسحق و خونریزی
بیمه

ذل
۱۶

ذل
۱۷

۲۷ بسیار خاسته در ولایت بابل و طفر بافتن

پادشاه آند بار بر دشمنان خود و بسیاری نم و باران

و نیز چون نباتات و الله اعلم فصل بیستم

در حکم خال سرخ اگر در این ماه خاک سرخ بسیار شود

بر غم و اندوه مردمان و آشفته و لایات و نماندن

راهنما و کثرت اخبار از جبهه و زلزله کش و زلزله

و نباتات و الله اعلم فصل نوزدهم

در حکم وزغ اگر در این ماه وزغ بسیار و دلیله

بر چو و شتم طوبی و سلاطین بر رعیت و آشفته

ولایات و زلزله سبب و محبت مردم و غم

اندوه عاتق خلعت و بودن بیماریهای صعب

مثل سه سام و ذات الجنب و مانند آن بسیاری

مرد چهرانات و الله اعلم فصل بیستم

ذل
۱۸

ذل
۱۹

ذل
۲۰

۲۸ در حکم غبار اگر در این ماه غبار در مرآه پدید آید

بر خروج کردن خواجه بر پادشاه خراسان و جنگ

و خصوصیت میان ایشان و رسیدن انواع مصرت

بر مردمان آند بار و طفر بافتن پادشاه آخر الامر

بر دشمنان خویش و ایشان را ظهور ساختن و الله

اعلم فصل بیست و یکم در حکم تاریکی

اگر در این ماه تاریکی در مرآه پدید آید دلالت کند

بر زلزله کش و زرع و مهور و خصوصیت و عداوت

مردمان با یکدیگر و کثرت اخبار از جبهه و بسیاری

مرد چهرانات و حسرت اهل تجارت و الله اعلم

فصل بیست و دویم در حکم وزیدن

باد اگر در این ماه باد سخت بوزد و دلیل است بر جنگ

یا از مردمان مشاهیر و وقوع خونریزی بسیار

ذل
۲۱

ذل
۲۲

و راک

در اکثر ممالک و از زمانه نرخی خاصه جویات و
 در این سال حیوانات گمزه باشند و آفت بسیار
 ایشان برسد و آنه اعظم فصل بیست و نهم
 در حکم بایک اگر در این ماه بایک از هوا باشند و لالت
 کند بر جفت و خصوصیت امر اول شکر بایک بایک
 و امکان خور پریش بسیار و غم و اندوه عاتق
 و نا امانی و لایات و در از کشتن زمین و کوزه
 برف و یخ بند و آفت بسیار در چهار پان و آنه اعظم
 فصل بیست و سیم در حکم بایک اگر در
 این ماه بایک از هوا باشند و لالت کند بر جفت
 و خصوصیت امر اول شکر بایک بایک و امکان
 بسیار و غم و اندوه عاتق و نا امانی و لایات
 و در از کشتن زمین و کوزه برف و یخ بند و

فصل
۲۳

فصل بیست و چهارم در حکم بایک اگر در
 این ماه بایک از زمانه باشند و لالت میکنند بر ملک پادشاه
 آند بار و خصوصیت و عداوت مردم بایک بایک که آب چشمها
 و رو و دهان و کرمای عظیم چون در تابستان و آنه اعظم
 فصل بیست و پنجم در حکم زلزله اگر در این ماه
 زلزله واقع شود و لالت بر مرکب مردمان مشاهیر
 و معارف و بسیاری نم و باران و اگر زلزله بطول
 انجامد و لالت بر خطی و کرانه نرخی خاصه در ولایت
 مردم و تلف شدن چهار پان و نقصان اشجار و اگر
 زمین لرزه بر وزید آنچه مذکور شد پیش از وقوع انجاء
 و اگر بار زلزله گمزه بسیار و لالت میکنند بر فوٹ پادشاه
 مغرب زمین و نظریات بر و شمشان خود و موت
 بسیار در ولایت خراسان و بابل اما در ولایت

فصل
۲۴

فصل
۲۵

در

فارس خوز پریش بسیار سخت و وقوع بدیدار و اگر
 ماه سی روز تمام بود و آنرا که بعد از او و معنی لغت
 لشکر بانی پادشاه و لایست بابل و وقوع فتنه و تشویش
 خلعه در و لایست شام و از آنی نرخواه اگر ماه یک
 روز کم بود و لایست بر بسیاری نم و باران چنانچه
 از ارتفاع آفتاب رسد و بیماریهای صعب متصور شود
 و اگر بوقت زلزله آواری بشوند و لایست بر چند
 و حضور مردمان بایکدیگر و بودن خوز پریش بسیار
 و لایست نم و باران در بایست آب چشمها و رودخانهها و اگر
 زلزله بشب واقع شود و لایست بکند هر یک بسیار از
 امراض مختلفه و بعد از مردمان بایکدیگر و بودن کرمهای
 عظیم در کوزه و الله اعلم باب سیم در احکام
 ایام راه روی سی روز تمام بود و چون روز چهارم و کی
 عید است

شود شماره بطین بر آید و زبیره فرو شود و روز پنجم
 کی شماره شتر ببار آید و اکتیل فرو شود اما در این ماه باران
 مخالف بسیار و زود آید که شود سوا ی نیل مصر که در
 این ماه زیاد میشود و غذای اینوقت چیزهای مریه باید
 و از بعضی غذا باید پرهیز کرد مثل کرش کا و و شتر
 و است که در اصل کم باید خورد و نا وجه ایشان نیست سلم
 باشد و الله اعلم فصل اول در حکم کسوف
 اگر در این ماه کسوف آفتاب واقع شود و لایست
 بر حوادث شدن حوادث عظیم و پدید آمدن
 رسمهای نو در طهارت و مذهبها و نا اطمینانی و لایست و کوفه
 اخبار از اجیف و امثال نقصان مهور و حجبها
 و اگر رنگ آفتاب بوقت کسوف گرفته باشد رخ بود و لایست
 که بر چند و حضور مردمان بایکدیگر و وقوع فتنههای
 و الله اعلم

و ل

و الله اعلم فصل دوم در حکم خوف اگر
در این ماه خوف ماه در اول شب واقع شود و لیل است
بر مقل و اگر آن ترخا و کوزه نم و باران و بوی کرم
بسیار خاصه در ولایت فارس و بابل و بسیاری از
و عقاب خاصه در خراسان و آنت سیدن اشجار
بخصوص ناکه و زبانه کشت و زرع و نقصان
احوال اهل جبال و وادی و صحرا و کوهستان و بعضی
از حکمای حکیم گفته اند که اگر در این ماه خوف بود
کنیز و دم و در اس مردم و نا اهنی و آشفته و لایات
و بسیار بوی امراض مختلفه خصوصاً در و در و چشم
و نیز در ولایت مغرب زبان جگر و خصوصیت و قبال به
حدیث و وقوع پیدا کرد اگر رنگ ماه و شب خوف بسیار
باشد و لیل بر بسیاری مرگ زنان و دختران و الله اعلم

فصل سیم

فصل سیم در حکم و اثره آفتاب اگر در این ماه
دائرة آفتاب واقع شود و لیل است بر شتر و قنطاریه
در میان مردمان و نا اهنی و لایات از سبب در و آن
و راه زنان و کثرت نم و باران و عدل و واد و مرکب و طین
نسب کمال رعیت و نیزه و معیشت اهل رزق

میل ۴۵

فصل چهارم در حکم و اثره ماه اگر در این ماه
واقع شود و لیل است بر بسیاری جبال و قبال
و خوب و غارت و شیخون و کراخه ترخا و اندوه خانه
خدا یمن و الله اعلم فصل پنجم در حکم طالع
اگر در این ماه طالع بر آید و لیل است بر مرکب بسیار
و بیماری صعب و ضعف احوال حیوانات
و اگر یکسان طالع بر خراسان لیل است کثرت بوی کرم
احوال مردم و بسیاری اطعمه و اشربه و ارزاق ترخا

در ماه

۴۵ اگر ماه سی و دو روز بعد در آخر سال ولایت بر عهده
 و حضرت ملک و سلطان یا یکدیگر و طبع نموند بر
 ولایت هم و راست شدن صفوف قبال و گرفتاری
 سران سپاه و نیز ولایت که بسیاری از اموال و شکایات
 پادشاه آید بار التجا به پادشاه و یکدیگر برین بعد از وقوع
 آن و انچه پادشاهی از جانبی پیدا شود و آن پادشاه که
 مقهور سازد و پیوسته بر شرف قرار گیرد و الله اعلم
 فصل ششم در حکم سناره کبسو دار اگر در این
 ماه سناره کبسو دار پیدا آید ولایت بر مورت بسیار
 و زلزله و زراعت و کرامت و خفاخانه و زلزله
 بابل اما در ولایت بمن و طایفه و طرف باو به ارادت
 پیشهवास واقع شود و مردمان آید بار از انواع راحت
 برسد و الله اعلم فصل هفتم در حکم افان
 ۴۶

سناره اگر در این ماه سناره بزرگ بیفتد و لیل است بر
 عداوت و خصومت مردم با یکدیگر و امکان ملک مردم
 مشایخ آن ولایت و اگر سناره بجا بیفتد بزرگ بیفتد و لیل
 است بر انواع خرابی و ولایت مشرف زبانی و الله اعلم
 فصل هشتم در حکم موس و فرخ اگر در این ماه
 موس و فرخ بجانب مشرق میزد و ار شود و ولایت بر عصب
 ملک و سلطان بر اموال و طایفه و خوش و شرف شدن
 چه امانت حضور صاف شود و بسیاری ثبات زبانی
 و اگر بجانب مغرب پیدا آید ولایت بر طفر بافتن زیاد
 اسب و نبله بر دشمنان خویش و بدون خشم و آشوب
 و پیرو مردم و امکان کم و باران و الله اعلم
 فصل نهم در حکم حبه اگر در این ماه حبه بجانب
 مشرق در تهمان پیدا آید ولایت بر نیکو گشت
 و زراعت

فصل ۸

فصل ۹

۴۷ و زاعت و بسیاری نباتات و وقوع بیماریهای
صعب و کثرت نم و باران و نیز بعد از محصلات
فصل دهم در حکم سرخی اگر در این ماه سرخی
در آسمان بجانب مشرق نمودار شود دلالت کند
بر نیکو گشت و زاعت و بسیاری نباتات
و زایل آب چشمها و رو و خانها خصوصا در مشرق
زمین اگر بجانب مغرب پدید آید دلیل است
بر آنچه مذکور شد که در ولایت مغرب بظهور رسد
و الله اعلم فصل یازدهم در حکم عجایب
الرد در این ماه عجایب در آسمان نمودار شود و دلیلست
بر کینه و کراهت میان باطن و سلطان و بران
الواع نشوین بر پادشاه افاد او اخر طفر پادشاه
بوجود نیز و دلیلست بر ناکامی و کلاهات و محطی و کلاهات
نیز در این ماه

۴۸ نرجها و رسیدن نشوینات بر مردم مختصر
مردمان مشاهیر و الله اعلم فصل دوازدهم
در حکم شخصی که در هوا پیدا شود اگر در این ماه
شخصی در آسمان نمودار شود و دلیلست بر بیرون
آمدن خوارج باطن و سلطان و برون رفتن و قتل
و جدال و وقوع قتلهای ناحق و غم و اندوه مردم
و برون زلزله و بیماریهای صعب و موت بسیار
و نقصان احوال اهل شمار از سبب در دو راه نمان
و الله اعلم فصل سیزدهم در حکم رعد
اگر در این ماه رعد لغز و دلالت کند بر بیماریهای
صعب و موت بسیار و کثرت نم و باران
و اگر در وقت غروب رعد ماه زاید التور لیه
و دلیلست بر زلزله و نباتات و تلف شدن چیزها
در این ماه

و اگر ماه ناقص التزلیع و لالت کند بر
 بیماری صعب خصصا در سال آینه و از آن
 نترخا و بیماری اطعمه و اشربه و لیه و لیه و باران
 اما گویند که در آینه آفت برسد و الله اعلم
 فصل چهاردهم در حکم برف اگر در این ماه
 برف بیاید و لالت کند بر نشسته و آشوب
 و جدال و قتال و راست شدن صفوف
 جنگ و گرفتاری سران سپاه و گران نترخا
 و منقطع شدن راهها از سبب وزوان و راه
 زنان و بیماری فساد و خصوصیت در میان
 مردم و الله اعلم فصل پانزدهم
 در حکم صاعقه اگر در این ماه آتش برف
 بپزد و لالت کند بر نا ایمنی و لایا و بیم
 و در آن سال

و ل
 ۱۴

و ل
 ۱۵

و در اسس مسافران از سبب وزوان و راه زن
 و غله و نباتات زمین کمر لیه خاصه در آخر سال
 و نیز و لالت بر نقصان رسیدن مردم از وزوان
 بسیار و تلف شدن الثمرات و الله اعلم
 فصل شانزدهم در حکم باران اگر در این ماه
 باران بسیار بیاید و لالت بر غضب پادشاه
 معرب زمین با خاصان و اقربای خود و رسیدن
 انواع ستم از ملوک و سلاطین نسبت بکمال عتبت
 اگر باران بحد بسیار و لالت بپزد بر فطی و گران
 و غم دانه مردم اندازد و الله اعلم فصل هفدهم
 در حکم لاله اگر در این ماه لاله بیاید و لالت
 کند بر کشته شدن پادشاهان معظم و تلف شدن
 مردم بسیار از کشته شدن و آفت رسیدن چهره
 و الله اعلم

و ل
 ۱۶

و ل
 ۱۷

زل
۱۸

والله اعلم فصل بیستم در حکم خا
سرخ اگر در این ماه خا سرخ ببارد و لیلست چنان
و خصوصیت مردم باید بکند و ظلم و ستم ملوک و سلاطین
بر رعیت و کفر باران و زلزله و کشت و زرع
و و فرج محظی و کرامت صعب خاصه در ولایت
هند و زبهار فصل نوزدهم در حکم وزغ
اگر در این ماه وزغ و کرم ببارد و لیلست بر طلال
خاطر عامه خلق از سبب جور و ظلم ملوک و سلاطین
و بر نقصان کسب و معیشت مردم و نا امانی
ولا یات و کرامت خا و کفر اطعمه و اشربه و الله
اعلم فصل بیست و یکم در حکم غبار اگر در این ماه
غبار صعب پیدا شود و لیلست بر ظهور کردن
پادشاه نو و عدل و داد و زلزله و کشت و زرع
و کفر

زل
۱۹

زل
۲۰

و کفر آبها و نباتات زمین و بجزون بیمارهای صعب
و بیماری بسوزد و از آن سرخ آبکین و در این سال
مردم بلا آسایش و رفاهیت بیرون میشوند و الله
اعلم فصل بیست و یکم در حکم نارنگی
اگر در این ماه نارنگی پیدا شود و لالت کند بر و فاش
چنانکه از مردمان مشاهیر و معارف و نقصان اهل کبار
و سپاه است از سبب درو ان و راه زخان و زبلی
محصولات اشجار اما غله و اطعمه بیمار ببارد و الله اعلم
فصل بیست و دوم در حکم بار سخت
اگر در این ماه بار سخت بوزد و لیل است بر
غضب چنانکه از مرد و سلاطین بر امر او لشکر بمان
خود و ملک شدن خلق انبوه از لشکر وی و مشورت
شدن از لشکر بآن خود و مردی جستن از آن و کرامت
شدن از خا

زل
۲۱

زل
۲۲

شدن ترخا و بهارهای صعب مثل صفرا و تب
 گرم و پرفان اما عاقبت بخیر بود و الله اعلم
 فصل بیست و سیم در حکم بابت اگر
 در این ماه بابت از هوا بشنوند دلالت کند بر جدال
 و قتال و هت و غارت و شبحون و منازعت
 نمودن ملک و صلح طعن یا یکدیگر و طمع نمودن بر دول
 هم و راست شدن صفها و گرفتاری سران سپاه
 و خرابی اگر و لایات و غم و اندوه عاتق خلایق و محرم
 اندیشه ناک و برسان بودن از سبب خصوص ملک
 و الله اعلم فصل بیست و چهارم در حکم
 بابت اگر در این ماه بابت از زمین بشنوند و لایات
 بر جند و خصوصیت و قتال و جدال و بیماری و
 مضاجات و آفت رسیدن بهر و نقصان و در سبب
 مردم از سبب

و ل
 ۲۳

و ل
 ۲۴

مردم از سبب بابت و الله اعلم فصل بیست و پنجم
 در حکم زلزله اگر در این ماه زلزله مشاهده افتد و لایات
 بر جند او و منازعت یا دشمنان یا یکدیگر و ناکامی
 و لایات و بیماری و تب از سبب طمع نمودن و سبب
 خصوصیت و لایات فارس و هند و بیماری و ناکامی
 میسر و اگر زلزله بشنود و آفت شود و دلالت کند بر ناکامی
 و آشفته و لایات خصوصیت و لایات بابل و خرمین
 و بیماری و تب اطفال و تلف شدن جبرائیل
 و شخص کوه سفید و کاو و اگر باز باین لرزه ملک ببارد
 و دلالت کند بر جند و خصوصیت یا دشمنان یا یکدیگر
 و راست شدن صفوف قتال و دست دادن حرب
 عظیم و کشته شدن پادشاهان معظم اگر در این
 زمین لرزه مانند حرب بر پدید آید و دلالت کند بر خطر
 زمین

و ل
 ۲۵

۴۵ پادشاه پادشاه اسلام پناه بر دشمنان خود و اهل
 بهارهای صعب و بیاری غله و مهر و نیایش
 زمین و این سال لغایت پندیده و خوب واقع شود
 و الله اعلم باب چهارم در احکام خیزان
 ماه رومی بد آنکه خیزان سر روز بجمعه و روز نهم وی شاره
 و بران بر آید و طلب فرو شود و روز نهم وی شاره
 مفعول بر آید و شوله فرو شود اگر بوقت بر آمدن و بران
 ابر باشد و لالت کند بر نیکو گذشتن سال و بیاری
 مهر و وفات پادشاهان و لالت خطا
 و خشن آید باید و انت که در این فصل انشعفا
 نیز شود و غدا ای این فصل چیز سرد و دگر باشد مثل
 مای تازه و کوشش بنزغاله و کشتن خروسن که پیش
 دماست و از بیاری خزون شراب و از جماع کردن
 در خیزان

۴۶ زباله احرا از باد کرد و بویهای خوش بجا نیاید و شد
 مثل غنبر و طرب و امثال آن تا وجه انان اخذ
 اعند ال عدول بخوب و الله اعلم فصل اول
 در حکم کسوف اگر در این ماه کسوف آفتاب واقع
 شود و لالت بر وفات پادشاهان یا از مردمان باشد
 و اگر بوقت کسوف زند آفتاب بر و شانه تمام لبت
 و لالت کند بر حرکت نمون یا از پادشاهان از جای
 خمد و وفات بولایت پادشاه و بکر و دست و او
 محاربات عظیم در میان ایشان اما در او احوال
 خطر پادشاه سفر بر الج و پادشاه آند بار لا مظهر
 سازد و بر تخت او قرار گیرد و الله اعلم فصل دوم
 در حکم خسوف اگر در این ماه خسوف ماه واقع شود و
 بر چو و ظلم ملوک و سلاطین بر رعیت و بوی که مای عظیم
 در خیزان

و رسیدن انواع رنج بر مردم از کشت کرمانه
 و محطی صعب در ولایت فارس و بابل و بسیاری بیابانها
 از امراض مختلفه مثل برفان و بیهوشی کرم خضر و در ولایت
 مغرب زبان و فوج خشک آشوب در کوه پاپا و
 مردمان صحرانشین و کثرت نم و باران و بسیاری
 مسموم غایب و ماهیان و اگر نیمه شب بانه و یک صبح
 گرفته بود و لالت کند بر مرکب باران و فارس و پنج
 و اگر بوقت خوف زلزله ماه سپاه باشد و لالت کند
 بر طایف شدن یا از بزرگان مندر و کثرت اخبار از جبهه
 و پیدا شدن طاعون یا به کشت و زرع و نقصان
 رساند و اگر زلزله بوقت خوف سرخ بود و لالت
 بر بسیاری مردم زلزله و خزان و الله اعلم
 فصل سیم در حکم دانه آفتاب اگر در این ماه
 دانه آفتاب

دانه آفتاب واقع شود و لالت برنگونه
 کشت و زراع و بسیاری بیابان و حیوانات
 و از زلزله نزع اطعمه و زلزله کشت و معیشت مردم
 و اما خرما و کنجد در این ماه کمر بود و الله اعلم
 فصل چهارم در حکم دانه ماه اگر در این ماه
 دانه ماه واقع شود و لالت بر عدل و وادار
 و سلاطین بر رعیت و نیکو کشت و زرع
 و کثرت نم و باران و زیادتی آب چشمها و رو و خانها
 و بسیاری بیابان زبان اما اینکین و روشن و خرما کمر
 و الله اعلم فصل پنجم در حکم طالع اگر در این
 ماه طالع راست بر آید و لالت بر کمر باران
 و آب چشمها و کار بره و و زدن بادای مخالف و
 اگر یکجانب طالع برخواست و لالت کند بر زلزله

و ل
 م

و ل
 ه

و ل

۴۹ کشت و زراعت و نقصان و کسب و هبشت
 مردم و امکان بیماریهای صعب و نا ایمنی و لایا
 از سبب و زوان و راه زنان و بچن مرث بسیار
 اگر مالک و الله اعلم فصل ششم در حکم شاه
 بسو و اگر در این شاه شاه کس و در بر آید و لیل است
 بروم و در اس خلایق و بچن بیماریهای صعب و کرانه
 اطعمه و اشربه و پدید آمدن فساد در میان مردمان اگر
 با این شاه شغل حرب و بجانب مشرق بلند شود و لیل
 کند بر غلب و تصرف نمودن پاوشان بعضی از
 شده و رسیدن الزام شتم بر رعیت آن مواضع و بچن
 مرد بسیار و ولایت اعراب و ملک بجانب مغرب
 نمودار شود و لیلست بر دست و اولن جنگ و عداوت
 میان تو امرا و ارباب مناصب و غارت بافتن امرا
 ایشان و پدید آمدن

فصل
 ۶

ایشان و پدید آمدن اختلاف در میان لشکریان
 و عاقبت خلایق و بچن محطی و کرانه و ولایت فارس
 و آوار و ولایت و بکر غله از زان بچن و الله اعلم
 فصل هفتم در حکم افتادن شاه اگر در این شاه
 شاه بزرگ بچن و لیل کند بر محطی و کرانه از خفا
 و بیماری مرگ حیوانات و آفت رسیدن بهر
 و کسب و هبشت مردمان و نقصان حال تجارت و سبب
 و اگر شاه بچن بزرگ و پیر و شتاب بچن و لیل
 کند بر مرث مردمان و پیر و ارباب جاه خصوصاً و لیل
 و اگر شاه بچن بچن و الله اعلم فصل هشتم
 در حکم قوس و فرخ اگر در این شاه قوس و فرخ بجانب
 مشرق نمایان شود و لیلست بر غضب پادشاه طایفه
 عظیم ایشان بر مردم و ولایت خود و رسیدن الزام خرابی
 پدید آید

فصل
 ۷

فصل
 ۸

۵۱ بدینچه بر اکثر مراعصع و الهنه و فتنه و قتل و جلال
 در میان مردمان و رسیدن مصرت بر لئو اکثران
 و بزرگان و بار مخالف امر او لشکران بایا شاه
 بر ایشان و کشته شدن اکثر بزرگان انجمن
 و اگر بجانب مغرب بپند و لالت میکند بر عدو
 و خصوصیت مردمان بر یکدیگر و امکان محاربه و
 مضائقه و محصل و کرامت مخصوصه و رولایت فارس
 و اعراب و الله اعلم فصل نهم در حکم
 حربه اگر در اینماه حربه بجانب مغرب ویده شود
 دلیل است بر غوغا و خونریزی پادشاه انداز و تصرف
 آوردن ولایت و بر افتادن بر پا واقع شود
 خصوصاً از مخافت و بر قان و اگر بجانب مشرق
 پدید آید و لالت میکند بر عدو و امر او لشکران

دل
 ۹

بدینچه بر اکثر مراعصع و الهنه و فتنه و قتل و جلال

۵۲ باطریق و سلاطین و دوست و اذن محاربات
 عظیم و در میان ایشان و پدید آمدن ضعف تمام
 در میان رعیت و لشکری اما آخر الامر پادشاه
 بر دشمنان خویش ظفر باید و ایشان را مغرور
 سازد و بیمارهای صعب بسیار بجز خاصه و رولایت
 فارس و حیوانات لا آفت رسد مخصوصه و
 و کینه و نجات زمان بسیار بجز و الله اعلم فصل
 فصل دهم در حکم عجب اگر در اینماه
 عجب در آسمان ویده شود و لبت حربه
 و خصوصیت مرد و سلاطین با یکدیگر و کرامت
 و بدون سرفای عظیم و فصل زمستان و اگر بجانب
 مغرب ویده شود بدینچه و رشت و رولایت
 پوخرج انجمن و الله اعلم فصل یازدهم

دل
 ۱۰

دل
 ۱۱

در حکم

۵۴ در حکم سرخی اگر در این ماه سرخی در آسمان
 پیدا شود و لیل است بر ناپی و اشفتگی و لایا
 و کی اطعمه و کز ان ترخا و زبوا کسب و معیشت
 مردم و ملت شدن حیوانات و غم و اندوه و
 خصوصا اهل تجارت و سیاحت از سبب و زوان
 و راه زمان و بسیار بعد از قطاع الطریق و محال
 اسم فصل و دانی و هم در حکم شخصی
 مرد و مو پیدا شود اگر در این ماه صورت شخصی و مو
 پیدا شود و لیل است بر جلد و عداوت ملوک و
 سلاطین و بانیان و دست دادن محاربات و عظیم
 و در میان ایشان و کشته شدن بک از سلاطین
 عظیم الشأن و در آشنای حرب و رسیدن انواع
 رنج و ستم بر رعایا و غم و اندوه خانه خلایق و بسیار
 سبب خرابی

ذی
 ۱۲

۵۵ و بسیار بعد از اخبار از اجیث و الله اعلم
 فصل سیزدهم در حکم رعد اگر در این ماه رعد
 بغزو و لیل است بر ملک جمعی از بزرگان و مردمان
 مشهور و پریشان گشتن احوال مردمان و اگر رعد
 سخت بغزو و چنانچه مردم از صدای وی در آسمان
 شوند و لیل است بر جلد و فتنه و جدال و قتال و خونریزی
 بسیار که در میان مردمان سمع و قوع پدید آید و اگر
 تاثیرات مذکوره و در لایق شود که رعد بغزو و چنانچه
 مردمان آن شهر از وطن خود جدا شوند و بیکدیگر
 شوند و اگر با عین رعد ماه از اند نور لیل است
 بر خشم و غضب و جدال و ستم بر مردمان آن باران
 سبب معصیت و فساد از ایشان و بیکدیگر
 و اگر وقت خیزدن رعد ماه ناقص نور باشد و لیل است
 بر خشم و غضب

ذی
 ۱۳

بر آنکه آنچه مذکور شد سال آینده بوضع انجمنه والله
 اعلم فصل چهاردهم در حکم برقی اگر
 در اینماه برقی بچید و لیل است بر یکی نم و باران
 و زلزله کش و زراعیت و نباتات زمین و نقصان
 و رکب و معیشت مردم و پدید آمدن اختلاف
 و قسقه در میان مردمان و بیماری اخبار اراجیف
 اعلم فصل پانزدهم در حکم صاعقه اگر
 در اینماه آتش صاعقه برقند و لیلست بر عدالت
 و خصوصیت ملک و سلطانین یا یکدیگر و دوست و دشمن
 محاربات عظیم در میان ایشان و کشته شدن
 خلق انبوه از طرفین و نا امانی و آشفتگی دلباش
 و گرانتر خرابی بیماری عم و اندوه مردمان و الله اعلم
 فصل شانزدهم در حکم باران اگر در اینماه

زل
۱۳

زل
۱۵

زل
۱۶

باران سخت

۵۴
 باران سخت بسیار و لیلست بر یکی کسب و
 معیشت مردم و بیماری بهاریهای صعب
 در آخر سال اما در این سال اطفال بیماری و رجم
 و در ضایع شود و الله اعلم فصل هفدهم
 در حکم تندرک اگر در اینماه تندرک بسیار و ولایت
 کند بر پدید آمدن جنگ و قسقه و خونریزی بسیار و در
 خلایق و نا امانی بودن دلباش و گرانتر خرابی و قسقه
 اطعمه و غم و اندوه مردمان و وقوع بهاریهای صعب
 خاصه اطفال و الله اعلم فصل هجدهم
 در حکم خاک سرخ اگر در اینماه خاک سرخ بسیار و ولایت
 کند بر عدل و ادب اشرافین بر رعیت و خونریزی
 و معیشت مردم و نا امانی دلباش و یکی نم و باران
 و آبها و غله و حیوانات بسیار و الله اعلم
 نیک

زل
۱۷

زل
۱۸

زل
۱۹

فصل نوزدهم در حکم وزخ اگر در این ماه وزخ ببارد
و بلبست بر آفت گشت و در اعط و فطی
و اگر این ترخا و غم و اندوه مروان از نسب بیست
و نا ایمنی و الله اعلم فصل بیستم در حکم غبار
اگر در این ماه غبار صعب پدید آید و بلبست بر عداوت
و خصومت پاوشانان بایکدیگر و قطع شدن قاتل و جدال
و خونریزی بسیار و قطع شدن راهها از نسب و زنا
و راه زنای و کمی نم و باران و آب و نبات زایل و خشک
بودن سال و بیداری کرمای عظیم و فصل نوزدهم و نا ایمنی و نا
و لایست و بسیار بلبست اخبار از جهت و الله اعلم
فصل بیست و یکم در حکم نار که اگر در این ماه نار ببارد
و آید پدید آید و لایست که بر مخالفت و عداوت
پاوشانان بایکدیگر و قطع شدن حرب عظیم و در میان
ایشان و گشتن

زل
۲۰

زل
۲۱

ایشان و گشتن شدن خلق بسیار از طرفین و گشتن
ترخا و غم و اندوه مروان از نسب و فطی و کراله و الله اعلم
فصل بیست و دوم در حکم باران اگر در این ماه باران
ببارد و بلبست بر فطی و کراله نام و در لایست و گشتن
و بطول ایستادن غم و اندوه و در میان مروان و غرق شدن
کشتیها از نسب بلبستی مخالفت و الله اعلم فصل بیست و سوم
در حکم بزم اگر در این ماه بزم از میان شود و لایست که بر
جنگ و خصومت امر او فکریان بایکدیگر و بلبست بسیار بلبستی
صعب و مرگ مضاجات و آفت رسیدن مبر و بلبستی و کمی
معیشت مردم و آفت و باران بسیار و آفت شود و نبات
زایل و بلبستی و الله اعلم فصل بیست و چهارم
در حکم بزم اگر در این ماه بزم از میان شود و بلبستی
بر عداوت و مخالفت پاوشانان بایکدیگر و بلبستی و قاتل
و جدال و خونریزی

زل
۲۲

زل
۲۳

زل
۲۴

و جدال و خونریزی

وجد ال و خوریش بسید و ملاک شدن پیاپی پادشاهان و
 نمودن پادشاهان مردمان و آفت رسیدن بهر دو کی گناه و
 زمان و بسیار چون خبرهای را چفت و الله اعلم
 فصل بیست و نهم در حکم زلزله اگر در اینها زلزله
 واقع شود و لیل است بر جنگ و خوریش بسیار و
 مردمان و لایست پادشاهان و کفار و ملاک شدن پادشاهان
 ایشان و بسیاری مرکب زنانه و دختران خاصه در آخر سال
 و خوب محصل است استخبارات و آخر سال نایبشان پادشاهی
 سخت بسیار بوز و پیر و پادشاه که شهرهای از شهرهای
 و لایست بابل خراب شود و جمعی از ادبای مناصب و
 ملک ملک شوند و بعد از این واقعه پادشاه پادشاه شود و
 نایبانی سی روز بعد و لایست بر غالب شدن بهم و در
 بر مردمان و اگر کسی و بگوید و لایست کند بر طغیانها
 بگوید و بگوید

۲۵

پادشاه بر دشمنان خویش و مشهور صاحبان این است و
 نیکو بخت گشت و زراعت در این سال اما در اول
 خوارس خرابی بسیار واقع شود و باب پنجم در احکام نمودن
 ماه رومی بد آنکه مکرر ماه رومی سی و یک روز و نیم نخستین روزی
 وی شماره مقرر بر آید و اینها فرو شود و روز چهارم و سی
 و زراع بر آید و بی فرو شود و در اینها وقت ضعیف شود و
 خلیل پیر و در این ماه پنج بار آب افروز و زوال پیر و
 و آبریز شود و مضعف سازد و در این وقت آبها خشک
 و خدایای سرد و تر خوردن او با باشد مثل گوشت در آج
 بر غله و امثال آن و بویهای سرد و تر بوییدن مثل کافور و
 مر و مضعف سازد و پیر کردن از چوبهای گرم و حبس
 بود و جمیع کتله و بعضی از حکای قلم گفته اند که در آن
 کم و باران از ماه شری الاول شاه حزمیران بخرید و
 و بگوید

۲۵

و بپایست پسندیده داشته اند و از شب بهیچیم نمودن نیست
 و ششم و رجالی که آسمان نمودار باشد و باد اور و روزگاری
 و هر او یک بار به پیشگاه اگر افزون تر از شش بود و هفتم
 که در آن سال هم و باران بسیار بود و اگر بنه افزون ماه و شش
 که در آن سال باران کمتر باشد و الله اعلم چنانچه مذکور
 شد شب بهیچیم نمودن ماه از برای نشستن الاول است
 و نوزدهم نشستن آخر و بیستم از برای کانون الاول و بیست
 و یکم تا آخر بران و از ماه نمودن شش نگاه دارد و علم و کبر
 آتش که در اول نمودن مخفی که خواهد از جویات از برای
 به فشار بزرگ بر کوه که باران شب جانی بدارند که آسمان
 نمایان باشد و شش نوزدهم ماه بدارند و روز هفتم بر آن اتفاق
 نگاه کنند هر چه از کوهها بر سر مرده شده باشد و باران و کشته باشد
 که آن چیز نباید کاست که سال آینده زبون خواهد بود و آنچه سبز

و یا که بهیچیم و در سال آینده خوب خواهد باشد و الله اعلم
 و اگر شب هفتم این ماه ابر باشد و شش بهیچیم بباران
 کند که در شب و بیستم همان ماه بار مخالف شش بود و چنانچه
 مضرت رسد و الله اعلم فصل اول در حکم کوفت
 اگر در این ماه کوفت اتفاق شود و هفتم بر کوفت
 و مذکور اهل روم و فرنگ با یکدیگر و کلهایی نمودن و مطلق بودن
 ابر او اصحاب و کوفت خارس بر یا دانه خویش و بزرگ
 کند بر بسیاری مرگ و کفر آبها و نباتات و کلهای زمین و الله
 اعلم فصل دوم در حکم خسوف اگر در این ماه
 خسوف ماه واقع شود و هفتم بر بسیاری هم و باران و
 زیادتین آب چشمها در دو و خانها چنانچه از کوفت آب
 مردم را مضرت رسد و کشت و زراعت بجا نیست
 نیکو بود اما ماهیان و مرغها بیان کمتر باشند و اگر نیم شب کوفت

سال

سال

باید

باشد و لیل است بر طفر یافتن پاکشاه بر دشمنان خویش
 و بدون خونریزی بسیار و اگر نزدیک بصبح گرفته باشد چنانچه
 بسیار شرف شود و الله اعلم فصل سیم و حکم
 اگر در این ماه واپس آفتاب واقع شود و لیل است بر
 طوف و سلاطین و آشفته و زلزله و آب و غم و اندوه و
 بیم و در اس خلایق خصوصا از دزدان و راهزنان و نصرت
 رسیدن اهل سجاد و سفر و کم شدن آب و الله اعلم
 فصل چهارم و حکم و از هر اگر در این ماه واپس آفتاب
 شود و لیل است بر بیماری و باران و شکو و بخت نباران
 و کینه زمین و خصومت و عداوت مردمان با یکدیگر و گزند
 اخبار از ارجعت و الله اعلم فصل پنجم و حکم
 لیل اگر در این ماه لیل است بر آید و لیل است بر بیماری
 باران و زلزله و آب و اگر کجاست و کی برخواستن

دل
۳

دل
۴

و لیل است

دلیل است که بر بیماری و اگر لیل است و اگر لیل است
 و اگر در جانب و کی برخواستن و لیل است بر بیماری
 سال و خواب و بخت خلایق و اگر کجاست و لیل است بر
 غله و اگر لیل است و الله اعلم فصل ششم
 و حکم شماره کسور و آید و لیل است بر بخت و
 و بیماری صعب و بسیار بخت امراض و خلایق و اگر لیل
 بر آمدن شماره بخت از امر ایشان و لیل است بر بخت
 یافتن پادشاه انداز و در پیش گرفتن مردمان عملهای شیخ
 پیش خدا اینست ناپسند باشد و هر که جو انان بسیار
 و اگر وقت بر آمدن شماره روشنانه زنده متعجب باشد
 و لیل است بر ناپسند آن و لیل است خوف و در اس
 مردمان آید و الله اعلم فصل هفتم و حکم
 شماره اگر در این ماه شماره بخت و لیل است بر عداوت

دل
۵

دل
۶

و لیل است

۶۵ و خصوصیت پادشاهان اند پادشاهان بر ولجونی قتل و خونریزی
 بسیار و رسیدن انواع رنج و تعب بر مردان و نواز
 و اندک آن محضی و اگر اندر خوا و اگر شاد و طبعی است بزرگ
 بهفت و دلبست بر ملک پادشاهان خصوصاً از جانب
 شماره و الله اعلم فصل هشتم در حکم قس
 و قس اگر در اینگاه قس و قس بجا نباشد مشرف شود
 و لیس بر لیس و مشارعات و محاربات در میان پادشاهان
 مشرف زنجان و غارت یافتن بعضی مواضع اما در ادوار
 عداوت بر صلح و صلاح مبدل گردد و کشت و زراعت
 و بیانات لغایت بشود و اگر بجا نباشد مغرب باشد
 و لیس کند بر جبهه و جدال میان پادشاهان طسطن
 و مصر و لیس قتلای ناحی اما در آخر مهلت صلح قرار
 گردد و چون انان بسیار تلف شوند و اطعمه و اسیر و قتل

و ل

و الله اعلم

و الله اعلم فصل نهم در حکم حرب اگر در اینگاه حرب بجا نباشد
 مشرف و دیده شود و لیس بر زان لب لیس پادشاه اند پادشاهان
 و خراف و بریدی و نواز و نواز است پادشاه خود و ان امور
 مرض و نواز و نواز است اشجار اگر بجا نباشد مغرب
 و لیس کند بر عداوت خصوصیت ملک و حکام اند پادشاهان
 و وقوع یافتن قتل و خونریزی و بی بار اما در آخر سال
 از جانبی و صلح را می شوند و مردم را از همه راحت
 و الله اعلم فصل دهم در حکم سرخی اگر در اینگاه
 سرخی و آسمان بجا نباشد مشرف و دیده شود و لیس بر
 قتل و آشوب در میان مردم و بیم و در اس رعیت از
 لشکران و اگر دیده شود ان الش بجا نباشد قتل و خراف
 و لیس کند بر قتل و اگر اندر خوا و لب پادشاهان ملک و نواز
 و در لیس هندوستان و زنجان کشت و زراعت و در لیس

و ل

و الله اعلم

ذکر از بیماری غم نامت تسال اگر بجانب مغرب
 نمودار شود ولایت بکشد بر محاربات عظیم در میان پادشاه
 اسلام و پادشاه فرنگ افاد آخر طفر لیه و الله اعلم
 فصل پانزدهم در حکم عجب اگر در این ماه عجب
 در آسمان پیدا شود ولایت کند بر ملک زمان آبش و
 بجه از شکم ما و روزا بجه را به از بیه و روان فصل
 و دوازدهم در حکم شخص اگر در این ماه شخصی در آسمان
 پیدا شود ولایت کند بر خط و راه اندوه مردم و خط و راه
 اهل کو به از این ماه به جور و ظلم رسد فصل سیزدهم
 در حکم رعد اگر در این ماه رعد سخت لغز و ولایت کند بر
 مهمل و اندر بسیار بود اگر سخت لغز و از روی بیم بود
 در میان پادشاه و در میان را انت و اگر بار رعد ماه
 زائد التور لیه ولایت کند بر هر که بسیار و غله و میر و راه

ذل
 ۱۱

ذل
 ۱۲

ذل
 ۱۳

بعضی التور

ناقص التور لیه آنچه گفتیم و سال اینده بعد و غله و نبات
 زمین بسیار بود و گیاه کم بود فصل چهاردهم در حکم
 اگر در این ماه برین کج بود ولایت کند بر قتل و غم و اذیت مردم
 آمد بار و اخبار از اجب بسیار اما غله و نبات زمین و باران
 بسیار بود فصل پانزدهم در حکم صاعقه اگر در این ماه
 بعد ولایت کند بر بیماری صعب و خط و تنگی و طبع بسیار
 بعد و خونریزی و شرس و اذیت مردم و زبان بسیار بود
 فصل شانزدهم در حکم باران سخت اگر در این ماه
 باران سخت بسیار و ولایت کند بر قتل و کشت و کرامت
 نباه شدن مهر و اورنج مردم و خط و غرق و در راهی و کشت
 و نیک بود فصل هفدهم در حکم نگر اگر در این ماه
 نگر بسیار بود ولایت کند بر جنگ و خصومت و خونریزی
 در راه و خط و تنگی و خبرهای از اجب فصل هجدهم

ذل
 ۱۴

ذل
 ۱۵

ذل
 ۱۶

ذل
 ۱۷

ذل
 ۱۸

و

۶۹ در حکم خاک سرخ اگر در این ماه خاک سرخ بپزد و لال
 کند بر مرکب چهار پاپان و آشفته و لال است مشرق و خاک پادشاه
 بزرگ الوال است فصل نوزدهم در حکم وزغ و کرم
 اگر در این ماه وزغ و کرم بپزد و لال کند بر مرکب و کرم و غم
 رعیت از خور پادشاه و زبانی بازگردد و در شهر و فصل
 بیست و یکم در حکم غبار اگر در این ماه غبار از هوا پدید آید
 و لال کند در این سال شد و ده آفت سید از آتش
 و مرکب چهار پاپان و خصوص و گفتگو میان مردم بسیار آید
 فصل بیست و یکم در حکم نارگی اگر در این ماه نارگی پزد و لال
 پدید آید و لال کند بر بیماری صعب خاصه مرکب چهار پاپان
 بعد و نیز و لال است که لشکر پان از پادشاه و لال است عاصی
 شود و خرابی بسیار شود فصل بیست و دوم در حکم
 باد اگر در این ماه باد و غم و لال کند بر پادشاه بزرگ و

ذل
 ۱۹

ذل
 ۲۰

ذل
 ۲۱

ذل
 ۲۲

۷۰ الوال است بپزد و آب که شود و مردم و از لال و غم باشد
 از سبب جور پادشاه و آشفته و لال است فصل بیست و دوم
 در حکم بانه و در هوا اگر در این ماه بانه از هوا پدید آید و لال
 کند بر خط و لال است مغرب سبب خشم و پادشاه بزرگ و کرم
 شود و مرکب چهار پاپان و مرکب بانه و در این ماه از زمین پدید آید
 و لال کند بر مخالفت و خصوص ملک و لشکر طعام و کرم
 و آشفته و لال است و لال است و غم و از لال مردم و زبانی
 بازگردد از سبب و زوال فصل بیست و سوم در حکم
 در حکم زنجیر لوله اگر در این ماه لوله در زمین واقع شود
 و لال است بر مرکب بسیار و هم آشفته و لال است و باز لاله اگر رعد
 بعد و لال است کند بر ملک پادشاه بزرگ آشفته و لال است خرابی
 شود و غم و لال است و لال است مردم الوال است و اگر زلزله باشد
 بعد و لال است کند که پادشاه مصر ملک شود و در بابل خرابی

ذل
 ۲۳

ذل
 ۲۴

در وقت

شرف و خور و خوریش به خاصه در باب شان باب ششم
 در احکام آب رومی اعظم و کس بیارسی شهر پور ماه آقا
 به الله این ماه سی روز به روز یازدهم شمار و صفر و پدید آید و
 البلع فرو شود و روز بهشت و چهارم احسن بر آید و سعد شود
 فرو شود و در این ماه اخلاص و کمال کم به روز یکم
 و بادای شمال در شب بجهت غرای این وقت کشت بر خا
 و ناردان و که وی نرو بخار و مرغ و ما است مراغی به و پربانی
 ربا چین و آب کل نیک به و جماع اندک باید کرد و پربان از
 چیزهای گرم و داری مهمل کند و حکمای فقیه روم در این
 ماه تجربه است و دانش این علم چنان است که روز
 هجدهم این ماه است و ششم وی هر روز از ناز و بکر است
 بکشد تا سحر بهند اگر هجدهم ماه در آسمان آید به در مضمه اول
 نشین اول بخار باریدن و کشف غرایان بگو خواجه و اگر
 نوز خفتن

نماز خفتن تا نیم شب بهند و اندک در مضمه اول نشین اول
 باران بهد و اگر از نیم شب تا سحر بهند و اندک در مضمه آخر ماه
 مذکور باران و بعد از آن وقت خفتن به احتیاج نبرد و نیک است
فصل اول در حکم کشف آفتاب اگر در این ماه کشف
آفتاب شود دلالت کند بر مرگ پادشاه بزرگ و آشفته دل
 و نشین مردم و بکشد غله و نباتات و نر خامپانه بهد
 باز کمانان را از وزان مضرت به **فصل دوم**
در حکم خسوف ماه اگر در این ماه خسوف ماه شود دلالت
 کند که پادشاهان و پادشاهان پسرانی خود را بکشد و لشکر کمان
 با کافران چینی جنگ و خصوص کند و مظهر آید و در وقت
 بابل خواجه با پادشاه جنگ کند و غلبه کند و مضرت بابل
 بابل به و نصرت پادشاه را بهد و باران بسیار در میان
 سر و برت و پنج بهار بهد و بطرف شام خواجه غلبه کند
 و پادشاه

اول

و پادشاه شام غالب آید و زمان حمله را مقرر شود و اگر
 بنی نبط یا نزدیک صبح گرفته شود و کشت و غله بکند و شغلی
 فصل سیم در حکم و اثره اگر در این ماه و اثره افتاب بود
 و دولت کند که مضر سال در وی است اشک ببارد و غله در
 چهار پایان و از زمانه و جنگ و غماری میان رعایا و معیشت
 کم بود فصل چهارم در حکم و اثره ماه اگر در این ماه و اثره
 ماه بود و دولت کند بر زبان و چهار پایان و لحاحش ملک
 شوند و ماهی و مرغانی آید بسیار و نبات زبانی نیکو و اینی و لا
 فصل پنجم در حکم دلال اگر در این ماه دلال راست بر آید
 و دولت کند بر بسیاری پدید آید اگر کثرت بر خواسته بود زیاد
 غله و نباتات بود و اگر ماه محرم بود پادشاه بزرگوار شود
 و نا اینی و لا است بود اگر در هر جانب درم آمده باشد
 قحط و تنگی و در چهار پایان بود فصل ششم در حکم
 کسود و اگر در این ماه

ذل
 ۳

ذل
 ۴

ذل
 ۵

ذل
 ۶

کسود و اگر در این ماه کسود و اگر بر آید و دولت کند
 که در پادشاه و در عراف جنگ کند و لشکر پان کشته شود و اگر
 بجانب مغرب باشد و در دولت فارس و کرمان ماه سال قحط
 و مردم در محنت باشند و بیماریهای صعب بود و اگر باین ملک
 نگرید بار و در آخر سال ترخا از آن کرد و فصل هفتم در حکم
 در حکم نوس و فرخ اگر در این ماه نوس فرخ بجانب مشرق
 بود و دولت کند بر جنگ و قحط و خصومت و لا است پادشاه و لا است جنگ و خصومت
 و پادشاهی و انول است کشته شود و قحط و تنگی و بیماری صعب بود و مردم با هم و نا اینی و لا است و لا است
 فصل هشتم در حکم حرب اگر در این ماه حرب بجانب مغرب
 بر آید و دولت کند که در این سال سباع بر چهار پایان
 و مردم مضر رسد و در دولت فارس و کرمان و مردم
 سال مردم و از روز ان مضر رسد و مردم و لا است
 ناس و کاری کند اما عاقبت خبر بود فصل نهم در حکم
 نسی و اگر در این ماه

ذل

ذل
 ۱۰

نسی و اگر در این ماه

۷۵ سدرخی اگر در اینها سرخی از جانب مشرق باشند و لالت کنند
 بر سرهای سخت و در زمان ویرفت و پنج بسیار و اگر در مغرب
 باشند قشقه و خشک و مخصوص و خنک و بزرگی به جانب مغرب و
 طاهر باشد مغرب و در فصل با دهم و حکم عجیب
 اگر در اینها عجیب در آسمان باشند و لالت کنند بر بسیارهای
 و مرک بسیار و غم و اندوه و بیم مردم و قشقه و آشفته خاصه
 و لالت بسیار و لالت و زرع و حیوانات بسیار
 فصل دوازدهم در حکم شخص از هر اگر در اینها
 شخص از هر اینها شود و لالت کنند بر غم و اندوه مردم و خبرهای
 از اجب و ملک پادشاه و لالت و پنج و بزرگی و قشقه اهل
 رستاق و بعد از این صلح و اینی به فصل سیزدهم
 در حکم رعد اگر در اینها رعد لغز و خاصه در اول ماه و لالت
 کنند بر نبات زمین و درختان و میوه و کشت و بکار و آبها و
 کرم خشک

دل
۱۱

دل
۱۲

دل
۱۳

کرم خشک بسیار و اگر بارند بکند از هر اینها و لالت کنند
 که در آن سال بسیارهای صعب و قشقه و قشقه و بزرگی و آبها
 و زوایان و فصل چهاردهم در حکم برف اگر در اینها
 برف بسیار و خشک و لالت کنند بر غم و اندوه مردم و خبرهای
 و مرک پادشاهان و لالت و بسیارهای ایشان و آشفته و لالت
 بسبب و زوایان و راه زنان فصل پانزدهم در حکم صاعقه
 اگر در اینها صاعقه باشند و لالت کنند بر خجسته و خبرهای
 و سرهای سخت و در زمان و محال و پادشاهان و بیم و لالت
 فصل شانزدهم در حکم باران اگر در اینها باران سخت
 بسیار و لالت کنند بر زلزله و آبها و چشمها و غله و حیوانات و بسیارهای
 صعب و مرک چهار و اینی و زلزله اگر در اینها و بیم و لالت
 آب فصل هفدهم در حکم زلزله اگر در اینها زلزله بسیار
 و لالت کنند بر کرا و زلزله و آبها و قشقه و قشقه و خبرهای
 و در وقت

دل
۱۴

دل
۱۵

دل
۱۶

دل
۱۷

۷۷ و مرکب متعجب است و آشفته و نا اهنی و فای احوال مردم

و ظلم پادشاه بر رعیت **فصل هجدهم** در حکم خاک سرخ

اگر در این ماه خاک سرخ بیاید و دولت کند بر قحط و خشکی در دولت

مصر و ترک و نا اهنی بسبب و زوان و غم و اندیشه باز کاران

فصل نوزدهم در حکم وزغ اگر در این ماه وزغ مردم بیاید

و دولت کند بر جنگ و خصومت پادشاهان با هم و اندیشه مردم

و بیچاره و فاسد غله و افش زرع و کراهت خاصه در اول سال

فصل بیستم در حکم عیار اگر در این ماه عیاری صعب

پیدا شود و دولت کند بر جنگ و فتنه و خشکسالی و کمی آب و باران

و نبات زبانی و زبانی تجارت و شهرها از آتش آفت و بیهوشی

از تشنگی بسوزد و زلزله و نا اهنی **فصل بیست و یکم** در حکم

نارگی اگر در این ماه نارگی پیدا شود و دولت کند بر مردم و بیچارگی

مردم و قحط و جنگ و خونریزی و فتنه و لغت پادشاهان با هم و خیانت

و زلزله

و ل
۱۸

و ل
۱۹

و ل
۲۰

و ل
۲۱

۷۸ اراجیف و غم و اندیشه مردم **فصل بیست و دوم**

در حکم باد سفت اگر در این ماه باد سفت بیاید و دولت کند بر

فصل بیست و ششم در حکم مغرب و دولت مردم اینجا از جمع و مردم که چاه را

و کمی نبات زبانی و زرع از ترک و مالان **فصل بیست و سوم**

در حکم باد از راه اگر کسی در این ماه باد از راه بیاید و دولت

کند بر بیچارگی صعب و کم بر بزرگواران و دولت و سواکی

سخت در زمانه و آشفته و بیچاره مردم از زوان و غم و اندیشه مردم

فصل چهل و یکم در حکم باد و چهارم در حکم باد

از زبانی اگر در این ماه باد از زبانی بیاید و دولت کند بر پادشاه

و دولت و دشمنی پیدا شود و در آن و دولت خراب کند و دولت

بر او طوفان باشد و زلزله **فصل بیست و پنجم** در حکم

زلزله اگر در این ماه زلزله زبانی بیاید و دولت کند بر بیچارگی و مردم

بهر آن و آشفته و غم و اندوه و بیچاره مردم آمدند و اگر زلزله زده

بزرگوار

و ل
۲۲

و ل
۲۳

و ل
۲۴

و ل
۲۵

لغو و کشال سخت بود و در وی است بابل و ماچین بنه
 و خوزیرش بود و اگر زلزله زلزله بشد بعد طعام و نعمت فراوان
 بود و خیل پادشاه و در است خروج کرده پادشاه و ملاقات سادات
 و زانین بسبب دروان و غارت بسیار بود و خوزیرش بود و بود
 از آن خبر اینی و صلح بود باب هفتم در احکام اهل ماه و دی
 اسد روس و پارس و هر ماه آفتاب که اهل سی روز بود روز پنجم
 و کی شانه حرفه بر آید و فرغ مقدم فرود شود و در این ماه بر خوشی
 بود و مستهل باید خوردن و انواع حلای که کشاکش بر بانی بنای چرخ
 و کباب و اندک باید رفتن و بویهای خوش و اندک بجا باید داشت
 و خیار که باید خورد و فصل اول در حکم کسوف و انبوه
 اگر در این ماه کسوف آفتاب بود و لالت کند که در روز گداری
 بهار شود و جنگ و قتل و قتل کشاکش بر اهل و بیتر و لالت
 شد و بود و پادشاه بر جهان کرد و اگر در کسوف بود و لالت

خسوف و زلزله

۷

۱

۸۰ فصل دوم در حکم خسوف اگر
 در این ماه خسوف ماه شود و لالت کند بر صلاح احوال پادشاه
 و بیماری میوه و نبات زبان و طبع بسیار و کم زبان و اگر رنگ
 خسوف سرخ بود آب گلاب و باران و در چشم بسیار بود
 و اگر بنفش بود و لالت کند بر خروج خوار و جنگ و قتل و خوزیرش
 و ظفر پادشاه بود و میوه و گندم و جو نیک بود و بعضی حکما گفته اند
 که کی آبها و چشمها و باران نادر و بود و جنگ و خوزیرش عظیم
 در و لالت مغرب بود و اگر وقت صبح بود و شاد و صبر بود
 نشان در آید پادشاه پادشاه پادشاه و میوه و گندم بسیار
 فصل سیم در حکم دانه آفتاب اگر در این ماه دانه
 آفتاب بیاید شود و لالت کند که پادشاه و جنگ و قتل شود
 و در میان لشکر قتل بسیار بود و اشتغال و لالت و گداری
 و با خرسال اینی و بنویسند فصل چهارم در حکم

دانه ماه

۲

۳

۴

و اگر در این ماه از او بگذرد و لایق آن نباشد
 چشم او را بریزد و بسیاری ببرد و خرق کشته و نبات زین میانه
 بود و طبع بسیار کم زبان باشد فصل پنجم در حکم ماه نو اگر در این ماه
 ماه راست بر آید و لایق آن نباشد بر خفاری مردم و اگر یکی نباشد
 باشد و لایق آن نباشد بر خفاری مردم و لایق آن نباشد و از
 پادشاه بر رعیت عدل و انصاف بگذرد و اگر در هر سر به هم آمده تا
 سال پسندید و روز خواران و منکر و لایق فصل ششم
 در حکم شمار کس و اگر در این ماه شماره کس و اگر یکجا نباشد
 مشرف بر آید و لایق آن نباشد و خورنری در و لایق آن نباشد
 و خوارچ در زین مغرب بر آید و طفر پادشاه لایق فصل
 هفتم در حکم شماره اگر در این ماه شماره بزرگ نباشد و لایق
 کند بر چهار پادشاه و خوار کشته و اگر پادشاه بزرگ یکجا نباشد
 که شماره بگذرد و آشفته و نشوین مردم فصل هشتم

ذل

ذل

ذل

ذل

و اگر در این ماه

فصل هشتم در حکم نوس و فرخ اگر در این ماه نوس
 و فرخ لایق آن نباشد مشرف نباشد و لایق آن نباشد و در و لایق آن نباشد
 جنگ و خورنری بسیار بود در میان پادشاه مشرف و طفر
 خصوصیت آن و طفر پادشاه مشرف لایق و بسیار از
 مردمان ملک شوند و در و لایق آن نباشد بسیار بود و در میان
 پادشاه و نایل خورنری بود و اگر یکجا نباشد مغرب نباشد بسیار
 خوار و میده و از این ماه و جنگ و خصوصیت در و لایق آن نباشد
 باشد فصل نهم در حکم حربه اگر در این ماه حربه یکجا نباشد
 بود و لایق آن نباشد در میان مردم آن باز نشد و خورنری بود و اگر
 یکجا نباشد مغرب باشد با لایق بسیار باشد و این و لایق
 مردم آن باشد فصل دهم در حکم سرخی اگر در این ماه
 سرخی در آید و لایق آن نباشد بر مطلق و نسی طعام و خورنری
 در و لایق آن نباشد و در آخر سال صلح بود و خوار و این که در این ماه

ذل ۹

ذل ۱۰

و اگر در این ماه

دل ۱۱

و از پادشاه بر رعیت عدل و انصاف بعد فصل یازدهم
 و حکم مجانب اگر در این ماه عجب در موایب شود دل
 کند که از این سال مردم طاعت شوند و رعیت را از پادشاه ببرد
 و پادشاه بر زکری در انجانب طاعت شود و باز که انرا
فصل دوازدهم در حکم شخص اگر در این ماه
 مانند شخصی در موایب شود دل کند بر خصوصیت و خوشی
 میانی ملک و امر او اهل روستا پنج صد و پادشاه بزرگ شود
فصل سیزدهم در حکم رعیت اگر در این ماه رعیت و دل
 کند بر فساد اگر انرا کسی خور و پادشاه و کلی غلها و
 خنصه در اول ماه و انرا هم ماه بعد و دل کند بر پادشاهی کرم
 خد و بر فانی و مرکب کوکان و انرا هم ماه بعد و دل کند
 بر ابر و بار و مرکب چهار پادشاه و انرا هم ماه بعد و زبانی
 بر یک چنگ و در خندان میوه را آفت شود و اگر پادشاه و انرا هم
 در یک چنگ

دل ۱۲

دل ۱۳

۸۴

کند بر مرکب جوانان و دود انرا و آفت انرا و غله خاصه
 در آخر سال و اگر پادشاه ماه بعد و مرکب چهار پادشاه و جانوران
 بود و بسیاری غله و انرا و زبانی و صلح و شکر انرا و دل
 و بسیاری باران و انرا و انرا و اگر در آخر ماه و زبانی
 ماهی و مرغان آید و میوه و انرا و انرا و فانی و باز که انرا
بعد فصل چهاردهم در حکم برف اگر در این ماه
 برف بکشد دل کند بر قتل و مردم انرا و در غم باشند
 و خدای اراجیف و غله و حبوبات و باران بسیار
بعد فصل پونزدهم در حکم صاعقه اگر در این ماه
 صاعقه بعد و دل کند بر یکی باران و نبات زبانی
 و آبها و مرکب کوفته انرا و پادشاهی صفراوی و پادشاهی
 معرف و یکس مردم و پادشاهان بر رعیت خاصه
 در آخر سال فصل شود و هم در حکم باران اگر

دل ۱۴

دل ۱۵

دل ۱۶

و پادشاه

۸۵ در اینگاه باران سخت بسیار و دلالی کند بر زیاد غلها و کشتها
 و کسب مردم و اگر باران بسیار و دلالی کند بر چهارپای صعب
 و مرکب پادشاه بزرگ و کی نیست مردم و از دلالی غله و نبات زمین
 نیکو بود فصل هفدهم در حکم خاک سرخ اگر در اینگاه
 خاک سرخ بسیار و دلالی کند بر خاک سال و کی باران چندان
 و غم و اندیشه مردم و غنیمت از نصایح و ظلم پادشاهان و
 و لایست و مرکب چهارپایان و کی غله و نبات زمین بود
 فصل هجدهم در حکم وزغ اگر در این ماه وزغ بسیار
 و دلالی کند بر چهارپایان و غلها و صعب و مرکب اضافات
 و خصوصیت مرکب بام و کسب مردم و مضرت کجاست
 و مرکب که مضرت آن خاصه در آخر سال فصل نوزدهم
 در حکم غبار اگر در اینگاه غبار صعب پیدا شود و دلالی
 کند بر جنگ و خصوصیت مردم بام و سختی زمین و غلها و
 غله و حبوبات

ذل
 ۱۷

ذل
 ۱۸

ذل
 ۱۹

۸۶ غله و حبوبات زمین و راحت مردم فصل بیستم
 در حکم تاریکی اگر در این ماه تاریکی در هوا پیدا شود و دلالی
 کند بر مرکب پادشاهان و دلالی و سرخ و آشفته و تاریکی
 و لایست و باز در کائنات و خبرهای از جیف فصل بیست و یکم
 در حکم بار سخت اگر در این ماه بار سخت ببارد و دلالی
 کند که اندرین سال بسیار مردم از بزرگان و مهربانان مضرت
 شوند و ملک کردند و غم و اندیشه و نشوین مردم اما غله
 و نعمت فراخ بود و مضرت باز در کائنات از سبب وزغ
 و خبرهای از جیف بود فصل بیست و دوم
 در حکم بابت از راه اگر در اینگاه بابت از راه شوند
 و دلالی کند که در این سال مردم بزرگاری ملک شود
 و بسیار پادشاهای صعب پیدا آید و باز در کائنات مضرت
 از سبب وزغ و خبرهای از جیف و غم و اندیشه مردم

ذل
 ۲۰

ذل
 ۲۱

ذل
 ۲۲

غله

۸۷
فصل بیست و هشتم در حکم بابت ارز زبانی اگر دهانه
بابت ارز زبانی بیشترند ولایت کند بر چند ملک و آتشکده و لایق
و غم و اندیشه مردم و فاساد سپید و فساد و غلبه و بیایست زبانی و
بیماری چند ای را جیف فصل بیست و نهم در
در حکم لرزه زبانی اگر در این ماه لرزه زبانی بعد ولایت کند بر کرام
طعام و حیوانات و اگر ماه سی و نهم ولایت کند بر بیماری
کوفته اند و از این زمانه که ماه بیست و نهم و نهم ولایت
کند بر باد و آتش و بیماری های عظیم و اگر لرزه شب باشد
ولایت کند که لغت و غلبه و بیایست زبانی و باران و آبها
بیماری و در ولایت هند و زنگبار و مکه و بیماری بسیار
بعد و خراسان و نیکو بیا ب هشتاد و نهم بر روی اختر و کس
بیماری اپانماه آتیه که شش و نهم اول سی و یکم و نهم روز
و نهم از روی شماره خواب آید و نفع المقدم فرود شود و روز

۸۹
 بسیار بود و اینک مرگ مردان پیش بود و اگر بخشید
 بود زمستان سخت سرد بود و برفت اندک بار و در کل بود
 بسیار بود و اگر جمعه بود زمستان بسیار بود و کندی و جو
 انور و جویات بسیار بود و مرگ کودکان بود و اگر
 شنبه بود بسیار بود و زمستان سخت و برفت و بخت
 بسیار بود و جو و کندی و مرگ کودکان و بیماری
 مختلف بود فصل اول در حکم کوف اگر در این
 کوف آفتاب بود دلال که کند و شمس اگر شاه مفر
 پادشاه شوند و از پنج زبان رسد و سه ماه باران کند و از
 و در ولایت حبشه و زنگبار و محلی و نایب بود
 فصل دوم در حکم خسوف ماه اگر در این ماه خسوف
 ماه شود دلال که کند که پادشاه فارس بدو بود و کار و کار
 که در مغرب خط و مرگ بود و در بابل کشت و زرع

از قضا

فصل ۱

فصل ۲

آفتاب

۹۰
 و مرگ کوفتند ان بود و پادشاه بابل یا دشمنان جنگ پیدا
 شود و خونریزی بود و مرغان و ماهیان بسیار شوند و در ولایت
 مغرب و مشرق فتنه و خونریزی بود و در بزرگوار و در مغرب
 طلب پادشاهی کند و در این سال در چشم و کرم بسیار
 بود و اگر بوفت کوفت ز کشتی سرخ بود و در میان کشته کوفت کار
 بود و چهار ماه آفتاب کم بود از آن بسیاری باران بود و اگر شنبه
 شب یا شرف یک صبح گرفته بود کندی و جو و مرگ کودکان بسیار
 بود فصل سیم در حکم وائره آفتاب اگر در این ماه
 وائره آفتاب بود دلال که کند و جنگ و دشمنی پیدا
 شود و خصوصیت در میان مردم پیدا آید و بزرگان را از شرف
 و لایست و حرامی پنج رسد فصل چهارم در حکم
 وائره ماه اگر در این ماه وائره ماه واقع شود دلال که کند
 بر بسیاری جنگ و فتنه و نایب و لایست و در ولایت

فصل پنجم

فصل ۳

فصل ۴

مذ
ه

فصل پنجم در حکم ماموران اگر در این ماه اول دولت برآید
دولت کند بر زمین لرزه و گرانندگی و شیخی مردم و اگر بجانب
برخاسته بود دولت کند که باد ببالد و دشمنان بسوزند
گرد و غبار زمین و کشت و کمر و فصل ششم در حکم
شماره کسودار اگر در این ماه شماره کسودار برآید
دولت کند بر مردم و چهار پادشاهان در زمینشان محظ
و شیخی خاصه در دیار مغرب بود و بلا و قحط و کمی اسبها
و مردم مایمان در دیار خصوصیت مایمان پادشاهان و آشفتگی
ولایت بود فصل هفتم در حکم شماره افتاد
اگر در این ماه شماره بزرگ برآید بر جانب که افتد جنگ
و قحط و خونریزی در آنجا بود و مردم آنجا را غم و اندوه
و نا اهنی بود فصل هشتم در حکم قوس و فرخ
اگر در این ماه قوس و فرخ بجانب مشرق برآید شود دولت
کنند

مذ
و

مذ
و

مذ
و

۹۲

کند بر قحط در اولایست و مردم چهار پادشاه بابل و بابل
شود و اگر بجانب مغرب برآید دولت کند بر سلاطین و شیخی
و خوشه مردم و عدل و انصاف پادشاه بر عیبت و بعضی از
حکما گفته اند که قحط و خونریزی در ولایت روم بود و آشفتگی
ولایت و کینه اما نعمت و غله فراوان بود باخر سال
فصل نهم در حکم حربه اگر در این ماه حربه در آسمان
پدید شود دولت کند بر خصوصیت و خونریزی مایمان مردم
و ملک بسیاری از ایشان و مردم چهار پادشاه و اگر بجانب
دولت کند بر مردم پادشاه اولایست و اطاعت بندگان
وی خداوند و بزرگوار و نفع پادشاهان از بندگان و مردم
بازرگانان و ناعم ادا و صلح و صلح بود فصل دهم
در حکم سرخی اگر در این ماه سرخی در جانب مشرق برآید
شود دولت کند بر قحط و خونریزی و آشفتگی ولایت
و اگر بجانب

مذ
۹

مذ
۱۰

۹۳ و اگر بجانب مغرب بعد ولالت کند بر فراخی لغت
 و ایمنی و لایست و احوال مردم خاصه که ماه زمانه التور لیه
فصل یازدهم در حکم عجب اگر در این ماه عجب
 در آسمان پیدا شود ولالت کند بر آفت میوه و جو را شاه
 بر رعیت و غم و اندوه مردم و کی کس و معیشت ^{باز نگاه}
فصل دوازدهم در حکم شخص اگر در این ماه
 شخصی در هر ایپد آید ولالت کند بر مرد پادشاه بزرگ
 و آشفته و لایست و کی طعام و نا ایمنی باز نگاه اذیب
 و زوان **فصل سیزدهم در حکم رعد اگر در این ماه**
 رعد لغت ولالت کند که مرد بزرگ و اری طاک شود و اگر غم
 باشد یا غم لغت ولالت کند که پادشاه شهر طاک شود
 و میوه و غله از برب بار لیه و اگر در هشتم لغت و نبات
 رنگین و کشت نرخیان لیه اما حال پادشاه بار لیه و اگر

فصل ۱۱

فصل ۱۲

فصل ۱۳

و زیاده

۹۴ و پانزدهم لغت و کشت را خراب کند و اگر سیزدهم لغت
 کند و موجب بار لیه و احوال و لایست خوش لیه و اگر چهاردهم
 لغت و باوشان را و غمی پیدا شود و خراش ایشان بسبب
 اخراجات کم شود و اگر پانزدهم لغت ولالت کند بر سلی
 مردم و صلاح و برکت سال و باران بسیار خاصه که ماه زمانه
 التور لیه و اگر نائض التور لیه احکام و سال آینه لیه
فصل چهاردهم در حکم برف اگر در این ماه برف
 ولالت کند که برف بسیار و کشت و غم و غم
 کند و در ولالت مغرب آشفته لیه و در سالی آید بار لیه
 از کشت بچانه و راه زنان مغرب رسد **فصل پانزدهم**
 در حکم صاعقه اگر در این ماه آتش از هوا بیفتد ولالت
 کند بر بیماری صعب و مرد بسیار و غم و اندیشه مردم
 و مغرب نجات بسبب و زوان **فصل شانزدهم**

فصل ۱۴

فصل ۱۵

فصل ۱۶

و زیاده

۹۵ در حکم بکاران اگر در اینگاه باران سخت ببارد و لالت
 کند بر زبانی آید و اینی و لالت و کب بکاران و بکار
 زادن زمان حاله فصل هفتم در حکم لالت اگر در
 اینگاه لالت ببارد و لالت ببارد و باران و باران
 جمعی بر پاوشانان لالت ببارد و لالت ببارد و لالت
 و بکاران و بکاران و بکاران و بکاران و بکاران
 در حکم خاک سرخ اگر در اینگاه خاک سرخ ببارد و لالت
 کند بر مرکب مردم نامدار و ثبات زمین و مذهب و بکار
 از پادشاه عدل و انصاف بعد فصل نود و چهارم
 در حکم وزغ و کرم اگر در اینگاه وزغ و کرم ببارد و لالت
 کند بر بیماری غله و ثبات زمین و مرکب چهار پایی و غم
 و اندیشه مردم و جور پادشاهانی بر رعیت و بیماری بسیار
 و کب مردم فصل بیستم در حکم غبار اگر در اینگاه

ذال ۱۷

ذال ۱۸

ذال ۱۹

ذال ۲۰

غبار صعب

۹۶ غبار صعب در مواید اشود و لالت کند بر جنگ
 و خصومت و لالت بابل و کب بکاران و بکار
 و آتش فتنه و لالت و غم و اندوه مردم فصل بیست و یکم
 در حکم تاریکی اگر در اینگاه تاریکی در مواید اشود و لالت کند
 بر فتنه و تاریکی سال و فتنه و باری و باری
 و غرق کشتیها و فصل بیست و دوم در حکم بار
 اگر در اینگاه باران ببارد و لالت کند که پادشاه بزرگوار
 ملک شود و غله و حبوبات بسیار و در آخر سال مرکب چهار
 پایی و فصل بیست و سوم در حکم بانه و باران
 اگر در اینگاه بانه از مواید اشود و لالت کند بر فتنه و خصومت
 مردم بزرگواران و لالت و حرب ایشان با هم و بیم رعیت
 از نا امانی و خبرانی از اجفت و مضرت بکار و فصل
 بیست و چهارم در حکم بانه از زمین اگر در اینگاه

ذال ۲۱

ذال ۲۲

ذال ۲۳

ذال ۲۴

بانه از زمین

بایک از زمین شش ذوات کند بر غم و اندیشه مردم و بکشد
 شکار و غم و باران بسیار و سرمای زمستان سخت و مه و برف
 فصل بیست و پنجم و حکم زلزله اگر در این ماه
 زمین لرزه بود و لالت کند که در همه جا طعام و غله و نبات زمین
 بپزد و مرد و بزرگ و اری ملک شود و اگر لبت بود و لالت کند
 برفق و نگی طعام و بیچاره و مرگ چهار پایی و جنگ و قتل
 اهل بابل و مصر و خرابی و لالت ایشان باب هفتم
 برومی بیدار بانی و بیارسی آفر ماه اما بکشد نشین آخری روز
 بعد در روز یازدهم ساره زبانه بر آید و بطنان فرو شود و روز
 بیست و چهارم اطلال بر آید و برفا فرو شود و در این ماه
 آغاز کند و شبی شود و ششم و گوشت و حلوا با خورون
 منقعت بود و در باد او قدری آب ناشناخت خورون نبرد
 و از چوب های کرم بریند کف چون لغاع و غیره و جماع کم کند
 و پنجم کرم

فصل
 ۲۵

باب
 ۹

و پنجم کرم و فصل اول و حکم کوفت اگر
 در این ماه کوفت افتاد بود و لالت کند برفق و
 خونریزی و خرابی شهر و بعضی از حکم گفته اند اگر زلزله
 سرخ بود و لالت کند بر ارزانی از خرابی و آخر سال و بیماری
 در این سال بود و مردم و غم و اندیشه فصل دوم
 و حکم خسوف ماه اگر در این ماه خسوف ماه بود و لالت
 کند برفق و شمر مردم و خونریزی و قحط و نگی در و لالت
 شام و بیدار و بیارسی و مرگ چهار پایی و خسوف و لالت
 اهل مشرق و مرگ پادشاه بزرگوار آن و لالت و اگر در
 شب بود یا نزد یک صبح بود و لالت کند بر یکی غله و بیماری
 بیماری و کشت و لالت و لالت و اگر در این ماه در
 سرخ بود یا شاه و لالت و خرابی کند و آب آن
 کرم بود و زبان کند و اگر در وقت خسوف خاک کرم

فصل
 ۲

ذیل

برو پادشاه شرفرازان و عثمانی رنج رسد و طغیان پادشاه را ببرد
و در آخر سال غلّه فراوان بحد فصل سیم در حکم
آفتاب اگر در این ماه و اثره آفتاب بحد ولایت کند
بر ملک چهارپایان و جو و مصادره ملک بر مردم و زنان
کار و نا اهنی را با سبب و زنان و شوش مردم
فصل چهارم در حکم و اثره ماه اگر در این ماه
و اثره ماه بحد ولایت کند که در بابل چنگ و خونریزی
میان مردم و خیرای اراجیف بحد افا و آخر سال
حال مردم بیک بحد فصل پنجم در حکم ماه نو اگر در
این ماه ماه است بر آید ولایت کند بر زبان و لک و کوفه
و از ان لغت و اگر یک جانب او بر خواسه بحد میثاق
سرمای سخت و برف و پنج بار بحد و ملک کوفه
فصل ششم در حکم ساره کسو و اگر در این ماه

ذیل ۴

ذیل ۵

ذیل ۶

ساره کسو

ساره کسو و اگر بر آید ولایت کند بر زبان و لک و کوفه
و در آخر سال غلّه فراوان بحد فصل سیم در حکم
آفتاب اگر در این ماه و اثره آفتاب بحد ولایت کند
بر ملک چهارپایان و جو و مصادره ملک بر مردم و زنان
کار و نا اهنی را با سبب و زنان و شوش مردم
فصل چهارم در حکم و اثره ماه اگر در این ماه
و اثره ماه بحد ولایت کند که در بابل چنگ و خونریزی
میان مردم و خیرای اراجیف بحد افا و آخر سال
حال مردم بیک بحد فصل پنجم در حکم ماه نو اگر در
این ماه ماه است بر آید ولایت کند بر زبان و لک و کوفه
و از ان لغت و اگر یک جانب او بر خواسه بحد میثاق
سرمای سخت و برف و پنج بار بحد و ملک کوفه
فصل ششم در حکم ساره کسو و اگر در این ماه

ذیل ۷

ذیل ۸

ساره کسو و اگر بر آید ولایت کند بر زبان و لک و کوفه
و در آخر سال غلّه فراوان بحد فصل سیم در حکم
آفتاب اگر در این ماه و اثره آفتاب بحد ولایت کند
بر ملک چهارپایان و جو و مصادره ملک بر مردم و زنان
کار و نا اهنی را با سبب و زنان و شوش مردم
فصل چهارم در حکم و اثره ماه اگر در این ماه
و اثره ماه بحد ولایت کند که در بابل چنگ و خونریزی
میان مردم و خیرای اراجیف بحد افا و آخر سال
حال مردم بیک بحد فصل پنجم در حکم ماه نو اگر در
این ماه ماه است بر آید ولایت کند بر زبان و لک و کوفه
و از ان لغت و اگر یک جانب او بر خواسه بحد میثاق
سرمای سخت و برف و پنج بار بحد و ملک کوفه
فصل ششم در حکم ساره کسو و اگر در این ماه

ساره کسو

۱۰۱
 اینها در مغرب واقع شود فصل نهم در حکم
 حربه اگر در این ماه حربه پیدا شود ولایت کند بر مضرت
 مردم و چهار پاپان از سباع و پنج و بیماری مردم و شکلی طعام
 و خروج پادشاه با بلی از ملک خود با شکر ثبات سال بکار کند
 و آتش فتنه و لایست لجه و قحط بود بعد از آن سال پادشاه از بزرگی
 ثوبه کند بولایت آید و اختری نیکو پاپا و اگر بمغرب بیند
 ولایت کند که نرکان بر مردم غلبه کنند و ثبات سال در ولایت
 خرابی بسیار کنند و بعد از آن پادشاه بر نرکان غالب آید
 و احوال ایشان از بغارت و منقذ فصل دهم در حکم
 سرخی اگر در این ماه سرخی بجانب مشرق بیند ولایت
 کند بر بیماری و تب و فساد غله و اگر با سرخی ستاره
 بریزد پادشاه بزرگ ملک شود و اگر بمغرب بیند خونریزی
 و خصوصیت بسیار و در ولایت مغرب غم و اندوه
 فصل

۱۰۲
 فصل یازدهم در حکم عجائب اگر در این ماه عجیب
 در آسمان بیند ولایت کند بر خصوصیت مردم و بیماری
 میوه و نا ایمنی و لایست از سبب و زوان و خبری از جفت
 و احوال مردم در آخر سال نیکو لجه فصل دوازدهم
 در حکم شخص اگر در این ماه شخصی در هوا پیدا شود ولایت
 کند بر خصوصیت پادشاه یا هم و قتل و فساد میوه و شکست
 مردم و نا ایمنی و لایست بسبب و زوان و شورش عتبت
 و ظلم پادشاه این فصل سیزدهم در حکم رعد اگر
 در این ماه رعد لغز و ولایت کند بر بیماری و بعضی از حکما
 که اگر اول ماه لغز و ولایت کند بر خیر و منفعت
 و احوال مردم نیکو لجه و زشتان سخت لجه و برف و باران
 بسیار لجه و غله بسیار لجه و میوه کم لجه و اگر ماه ناقص
 التور بود و سرد و برف و باد در سال آینده لجه فصل
 چهاردهم

زل
۱۴

چهاردهم در حکم برف اگر در این ماه برف بچید
ولایت کند بر بیم بار کثرت آن و در ولایت مغرب از
وزوان و مضرت بر ایشان در اول است از پلا شادن
پاک شدن ایشان فصل پونزدهم در حکم صاعقه
اگر در این ماه صاعقه دیده شود ولایت کند بر قتل و قضا
خاصه در آن و بار که آتش بپزند و غم و اندوه مردم از
نا این ولایت فصل شونزدهم در حکم باران
سخت اگر در این ماه باران سخت بیاید و زوایا از حق
بلا و آفت رسد و بیماری از آنها بدین سبب نوبه کنند و
اگر چند بار دوشنه و خورنیزی در اول است به فصل
هفدهم در حکم تگرگ اگر در این ماه تگرگ بیاید و ولایت
کند بر قضا و مضرت بسیار در آن و بار و خروج و زبرد
ویدی بسیار و اگر بیماری بیاید و بیماری صعب و مرگ
بسیار

زل
۱۵

زل
۱۶

زل
۱۷

۱۰۴

زل
۱۹

زل
۲۰

زل
۲۱

بهار فصل هجدهم در حکم خاک سرخ اگر در این ماه
خاک سرخ بیاید در میان مردم سرخ و دلو انگلی و مرگ و فاجات
و نا اینی از وزوان و اول است که بسیار فصل نوزدهم
در حکم وزغ و کرم اگر در این ماه وزغ و کرم بیاید و ولایت کند
بر فساد و کثرت و کثرت و غله و پها چون بر سام و بر سام
و ذرات اجنه و اما س و مانند این غلظت بسیار به فصل
بزرگداری و کثرت و کثرت بسیار و در پاهای شود و در این
سال و در و باره فصل بیستم در حکم غبار اگر در این ماه
غبار صعب پیدا شود ولایت کند بر بیماری باران
و زبادی آب چشمها و تشویش مردم و خبرهای اراجیف
و بیک مردم و کثرت و کثرت اما غله و جویات بسیار
بود فصل بیست و یکم در حکم تاریکی اگر در این ماه
تاریکی پیدا شود ولایت کند که کثرت و غله و خفا
و زوان

فرادان بود و با که جنب بسیار بود و مردم به نزل و کرام
 بسیار بود و کرک و خرس و شیر و خرگوش و روباه اندرین سال
 ملک شوند فصل بیست و دوم در حکم پاکخت
 اگر در این ماه پاکخت بود و دلائل کند که امیران
 و کودکان بسیار بپرند و نماند از آن و حاجیان و در راه
 بسیار ملک شوند و پادشاه اول است خاصکبدان تخت
 ملک کند و رعیت را از پادشاه رنج و غم رسد فصل
 بیست و سوم در حکم بانک از ماه اگر در این ماه
 بانک از ماه باشند و دلائل کند که مرگ چهار پادشاه و پادشاهی
 بسیار و یکسی مردم ببرد و آشفته و نا اهنی و دلاست
 از شومی پادشاهان و رعیت از طوک جور و مصرت
 رسد و بارزگانان از سبب و زدن مصرت رسد
 فصل بیست و چهارم در حکم بانک از زمان
 سر و زنج

دل
 ۲۲

دل
 ۲۳

دل
 ۲۴

اگر در این ماه بانک از زمان باشند و دلائل کند بسیار
 غله و طعام و فایده و ضعف و بیماری و لاعنی چهار ماه
 و مرگ مردم بزرگ آن و بار و غرق کشتیها در دریا و خبرهای از اجنب
 فصل بیست و پنجم در حکم لرزه زمین اگر در این ماه
 زمین لرزه شود و دلائل کند که پادشاه ملک شود و ثمرات
 و رویش شوند و در ویشال ثمرات شوند و مرگ و خونریزی
 و اگر بال لرزه رعد و برق و برف و دلائل کند زمستان سخت
 و بادهای سخت و برف و برف و برف و برف و برف و برف
 برف و برف و برف و برف و برف و برف و برف و برف
 باب نهم کانون آخر بومی و کرسن و بیادسی و پناه اما
 به آنکه کانون اول سی و دو روز بچه و روز هفتم از وی شناس
 طبعه بر آید و بر آن فرو رود و در بیست و یکم از وی شعله بر آید
 و منصفه شود و در این ماه سرد فوجی کرد و در حرارت غریزی
 در بطن

دل
 ۲۵

دل
 ۹

در باطن منتهی گردد و مضافی این وقت در پاره
 و کباب و شکر کوفته و چیزهای گرم موافق و از غله و حبوبات
 سر و پیرهن کند خصوصاً در شب و از غصه و حجاب است حذر از
 کند و از بیهوش و نیم آهسته میل و بود و حکمای قدیم گفته اند
 و اگر میل و روز پنجم بر آید زستان خوش بود و مپوه و نیم
 و باران و کوفته و روغن و تخم و انگبین بسیار بود و مرکب
 جوانان بود و اگر میل و در شنبه بر آید زستان نیکو بود
 و در پستان و ابار باران بود و در نایستان و در وقت
 مپوه بیماری شب بسیار بود و اگر میل و سه شنبه بود
 زستان بد از شد و نایستان خوش بود و کشتیها در
 و ریاضت شود و در نایستان بیماری بسیار بود و اگر میل و
 و چهارشنبه بود و زستان سرما سخت بود و برف و یخبندان
 بسیار بود و نایستان گرم بود و دوام کومستان
 بسیار بود

بسیار باشند و اگر میل و روز پنجم بود زستان خوش
 بود و مرکب بسیار بود و اگر روز جمعه میل و بر آید زستان
 و از شد و برف و باران بسیار بود و بارانهای بسیار بود
 خاصه و راه ابلان و خزان و نایستان سخت گرم و غله کوفته
 فصل اول در حکم کوف اگر در آهسته کوف
 آفتاب بود و لالت کند بر شش زستان و بار و برف
 پنج و غله و نبات بسیار و در ولایت مانند ان نقطه
 و مرکب بسیار بود و مای و مرغاب بسیار باشند و در ولایت
 مغرب جنگ و خونریزی بود فصل دوم در حکم
 خوف اگر در آهسته خوف ماه شود و لالت کند بر مرکب
 و خزان و شتران آبستن و فله و در ولایت فارس
 و کشت نیکو بود و اگر در شنبه کشته شود و باران بسیار
 بود و حیوانات بسیار و چهارپایان را حال نیکو بود و نبات
 بسیار بود

فصل ۱

فصل ۲

زمین و غله فراخ بود و در میان خلق رنج بود و باز گشت
 کس و معیشت کم بود و اگر نزدیک صبح گرفته بود
 ولایت کند که در ولایت فارس و اصفهان طبع بسیار
 بود و مای بسیار بود و در ولایت عراق و لرستان و بروجرد
 فصل سیم در حکم و اثره آفتاب اگر در این ماه
 و اثره آفتاب بود ولایت کند که در میان سر و برف
 و پنج بسیار بود و مردم را از سرما مضرت رسد و اگر در میان
 طراک شود و نبات زمین و گیاه بسیار بود فصل چهارم
 در حکم و اثره ماه اگر در این ماه و اثره ماه بود ولایت
 کند بر سرهای سخت و آشفته و ولایت فارس و کرمان
 و بابل بود و غم و اندیشه مردم و جزای اراجیف بسیار
 و غله از آن و تجارت و منفعت رسد فصل پنجم
 در حکم و اثره اگر در این ماه و اثره ماه بود ولایت
 سرافرازانه

۱۰۹

دل ۳

دل ۴

دل ۵

کند بر از آن خاصه و حکم بسیار و نبات کم بود و اگر در این
 وی برخواست و ولایت کند که باران و برف و چشمهای
 آب نیک بود و نبات زمین بسیار بود فصل ششم
 در حکم و اثره اگر در این ماه و اثره ماه بود و اگر در این
 ولایت کند که در غنای مردم و در ولایت فارس و کرمان بود
 و در سختی پادشاهان و ولایت و خوشتریزی بسیار و آشفته
 و ولایت بود و اگر بجانب مغرب هند و ولایت کند
 که در ولایت بین خط افراسیاب و سال بسیار و سخته
 کرد و باران و آب چشمهای بسیار بود فصل هفتم
 در حکم و اثره اگر در این ماه و اثره ماه بود و اگر در این
 بیفتد و ولایت کند بر خط و مرکز چهار پایان و طراک و پادشاهان
 بزرگ و از آنجا که در این ماه و اثره ماه بود و اگر در این
 بهم از آنجا و در این ماه و اثره ماه بود فصل هشتم
 در حکم

۱۱۰

دل ۶

دل ۷

دل ۸

۱۱۱ در حکم فوس و فرخ اگر در این ماه فوس و فرخ بجانب
 مشرق بر آید ولایت کند بر مرک بسیار و فتنه و خونریزی
 و ولایت مشرق و اگر در مغرب بود و فصل بهار فتح
 و سر بلبل و فتنه از آن ولایت از آن گران شود و در سال
 بهار بهار و مرک بسیار و وریا بل و مغرب خونریزی و فتنه
 و آشفته بود فصل غم و در حکم حربه اگر در این ماه
 حربه بجانب مشرق بر آید و ولایت کند بر بسیاری
 غله و حیوانات و سه ماه رعیت بر خد او ذی عاصی شوند
 و بعد از آن توریه کنند و باران بسیار بود فصل و هم
 در حکم سرخی اگر در این ماه سرخی بجانب مشرق بود
 ولایت کند بر جنگ و خصومت و آشفته و ولایت
 مشرق و اگر بجانب مغرب بود این احکام و در مغرب
 بود و اما غله و نبات زمین و میوه بسیار بود فصل
 پوز

ذل
 ۹

ذل
 ۱۰

ذل
 ۱۱

۱۱۲ پا و دهم در حکم عجائب اگر در این ماه عجائب از
 آسمان بر آید و ولایت کند بر فتنه و خصومت مردم
 و ظلم پادشاه بر رعیت و بیرون آمدن خراج بر ملک و بیخ
 ملک از این و در آخر سال قحط و گران و فتنه مردم
 فصل و دوازدهم در حکم بعد اگر در این ماه بعد
 بعد و ولایت کند بر زمین و باران بسیار و آفت میوه و خاک
 و اگر بار بعد ماه زائد التوریه سرمای سخت و زیاده
 آبها بود و اگر بار بعد برف بچید برف بسیار بود بعضی از
 حکما گفته اند که بسیار غنیمت در این ماه و ولایت کند
 که ملک پادشاه بود فصل سیزدهم در حکم
 برف اگر در این ماه برف بد زخمت و ولایت کند که پادشاه
 اندک است مردم بزرگ و ملک کند و اموال ایشان را
 نصفت کند و نبات زمین بسیار و مرکب معشیت
 سحر

ذل
 ۱۲

ذل
 ۱۳

۱۱۴ کم بعد و تا اپنی ولایت از بلاد و زوان بعد فصل
 چهاردهم در حکم صاعقه اگر در این ماه صاعقه پیدا
 ولایت کند بر خونریزی بسیار و بی احوال و زوان
 و بعد از آن در آخر سال و فائده بسیار بخار فصل
 پونزدهم در حکم باریدن باران اگر در این ماه باران
 سخت بیارود ولایت کند بر زلزله آله و عزای شهری
 از بلاد و روم و بیکی کسب بخار و عدل پادشاه بر رعیت
 فصل شانزدهم در حکم نرگ اگر در این ماه
 نرگ بیارود ولایت کند بر بیماری عوامان و طاعون
 و زحمت رعیت از ایشان و ملک پادشاه بعد
 از نیک و ناصح مال و تا اپنی ولایت بعد از آن
 فصل هفدهم در حکم خاک سرخ اگر در این ماه
 خاک سرخ بیارود ولایت کند بر غم و بیکی مردم و کی
 منقبت

دل
 ۱۴

دل
 ۱۵

دل
 ۱۶

دل
 ۱۷

۱۱۵ منقبت بخار بسبب و زوان و در این سال بیان شده
 فتنه و خونریزی و آشفتگی و ولایت بعد فصل هجدهم
 در حکم وزغ و گرم اگر در این ماه وزغ و گرم بیارود ولایت
 بر بیمارهای صعب و مرکب زنان در اول بهار و دختران
 پیش از وفات پسر و فتنه و زبان مردم و چهار پادشاه از سباع
 و ظلم ملوک بر رعیت و نشویش مردم فصل نوزدهم
 در حکم غبار اگر در این ماه غبار از همه اید شود ولایت
 کند بر اخبار از اجفت و اندوه مردم و شتم ملوک بر رعیت
 و خشکی سال و کی آنها و معیشت بازگشتان و سار زخم
 و کوفت و علیل بعد فصل بیستم در حکم
 ناریکی اگر در این ماه ناریکی بعد ولایت کند بر آفت
 مپید و بیکی مردم و جور مردم بر رعیت و تا اپنی از سبب
 و زوان فصل بیست و یکم در حکم بخت
 سر و اینجه

دل
 ۱۸

دل
 ۱۹

دل
 ۲۰

دل
 ۲۱

۱۱۵ اگر در این ماه با دست بچه ولادت کند بر مثل پادشاه
 بزرگ و حرب و مثل جمعی از لشکر و لغارت رفائی باقی و
 در پانزدهم این ماه سرما سخت بچه و بیماری صعب بچه
 فصل بیست و دوم در حکم بانک از هوا
 اگر در این ماه بانک از هوا بشنود ولادت کند بر فتنه و
 و طبع بسیار و زبانی لرزه و نا اهنی مردم از امر ایمان و ظلم
 ملک بر تخت و زنجیر مردم از لشکر بان فصل بیست و سوم
 در حکم بانک از زبانی اگر در این ماه بانک از زبانی بشنود
 ولادت کند بر خصوص ملک و خزینه و آتش فک
 ولایت و سوختن و مه از آتش و کمی میشت بخار
 و اهنی در آخر سال و بکوتل حال مردم فصل بیست و چهارم
 در حکم زلزله زبانی اگر در این ماه زبانی زلزله شود و ولادت کند
 بر خیانت اما ام پادشاه از او باین سبب خونریزی
 در میان مردم

فصل
 ۲۲

فصل
 ۲۳

فصل
 ۲۴

۱۱۶ در میان مردم و حواله بعضی از شهر و مظهر پادشاه از این
 و مرکب چهار پان و فراوان غله و حیوانات و نبات زبانی
 و اگر بوقت زلزله ماه و در میان پادشاه پادشاه پادشاه
 بحسب بچه و بزرگوار می باشد و اگر بکشت بچه و در این سال
 لغت فراوان و غله و نبات زبانی بسیار بچه و میشت
 نیکو بچه و پادشاه بزرگ ملک شود باب پا و و هم بروی
 پیارس و بفراسی بهمن ماه اما بدانکه کانون آخرت و بکوتل
 و روز و دوم از وی ساره لغاتین بر آید و مشوجه فرو شود از غله
 لطیف میشت کرد و آب ناشناخته و و جمیع کوفت و کوفت
 خوردن و بکوتل زبانی و بکوتل زبانی و بکوتل زبانی
 گرم چون کوفت و سپندان خردن و بکوتل زبانی و بکوتل زبانی
 سرد و بکوتل زبانی و بکوتل زبانی و بکوتل زبانی
 زبانی و بکوتل زبانی و بکوتل زبانی و بکوتل زبانی

باب
 ۱۱

زبانی

۱۱۷ و نایب شان خنک لجه و در خزان بلب بار لجه و غله و کشت
 و انگر بار لجه و مرک چهار پاهان و جواتان بار لجه و اگر
 روز و رشتبه لجه زمستان خوش لجه و نایب شان کرم لجه و بار
 بار لجه و در خزان نبار و مردمان آب و بار بار و بار
 و مرک بار لجه و اگر رشتبه لجه زمستان سخت لجه و برف
 پنج بار لجه و در باران لجه و در فصل خزان نبار
 و مپوه کم و بیماری و مرک مضاجات بار لجه خاصه زنا
 و غله و نبات زمان و طعام بار و سفر و بار و بار و منفعت
 کم لجه و اگر روز چهار رشتبه لجه زمستان مپاه و برف اندک
 لجه و در بار باران بار بار و نایب شان کرم و زخا و
 حیوانات که آن لجه و در فصل خزان مر اممخل و مپوه
 بار و مرک بار و مردمان و اگر رشتبه لجه زمستان
 خوب لجه و فصل بار سرد و نایب شان و خزان ممخل لجه
 و رشتبه

۱۱۸ و کشت و مپوه و انگر بار لجه و اگر روز جمعه لجه زمستان
 سردای سخت و در نایب شان نم و باران بار و بار از ان
 کو و کان لجه و اگر رشتبه لجه زمستان مپاه و بار بار لجه
 نایب شان و خزان خنک لجه و باران و غله و مپوه کم لجه و زمستان
 حاجه که اندازند و عمارات از آتش سوخته شود و بار بار لجه
 فصل اول و حکم کسوف آفتاب اگر در ایماه
 کسوف آفتاب شود و لالت کند بر فراخی سال و کشت
 و منفعت و از ان و مره شهر لجه و مردمان کواری از و بار
 و روم بجانب فارس شود و خدمت پادشاه فارس لالت
 و خرابی عمارت کند و اگر کله خوب گرفته شود و بار
 و لالت لجه و فصل و و هم و حکم خسوف ماه
 اگر در ایماه خسوف ماه لالت کند بر بیماری
 غله و نبات زمان و در این سال و این و لالت فارسی
 و خراسان

دل

دل

وخراسان واز ران لغت در همه جا و مسعود بسیار
 و اگر نه نب گرفته شود و بپارید اما زبان ننگه و باران
 بسیار و آب و نیات زبان بسیار و اگر زکش
 خاکش کون بود و ولایت مصر از پادشاه بر رعیت
 زبان رسد و پادشاه از آن بکشند و انگلیسین فرادان بود
فصل سیم در حکم دایره آفتاب اگر در ایماه
 دایره آفتاب بود ولایت کند بر مرکب بسیار و ملک
 کوه خندان و غم و بیکس مردم و یکی معیشت باز ز کمان
 بسبب و زوان و نا ایمنی راه **فصل چهارم**
 در حکم دایره ماه اگر در ایماه و اند ماه بود ولایت کند
 که در آخر نشان برفت بسیار و باران زیاد باشد
 و زیاد آید آیه خاصه در باده نیات زبان و کشت و گیاه
 بسیار و مردم و کرامت و نزل و سرفه و بیماری چهار باب

دل
۳

دل
۳

نیکو بچه

فصل پنجم در حکم ماه اگر در ایماه ماه است بر آید
 ولایت کند که نیات زبان و غله و گیاه نیکو بود و اگر گیاه
 و کی بر خواسته بود در خندان مسعود و از سر ما با از ملک فرست
 و انگلیسین بسیار **فصل ششم** در حکم کسوف
 اگر در ایماه کسوف کسوف و از سر آید ولایت کند بر نیات
 و خونریزی در ولایت مغرب و در ولایت روم میان
 ملک دشمنی و خونریزی بسیار شود و میان ملک شوند
فصل هفتم در حکم افتادن شاره اگر در ایماه
 شاره بزرگ باشد ولایت کند بر ترس و بیم و اندوه
 رعیت و نا ایمنی از ظلم پادشاه و لشکر پانی بود
 و غله و حبوبات و لغت فرادان بود و مرکب چهار باب
فصل هشتم در حکم قوس و فرخ اگر
 در ایماه قوس و فرخ بسیار شد و دیده شود ولایت

دل
۵

دل
۵

دل
۷

دل
۸

کند و خنثی

۱۲۱ کند که دشمنی بر پادشاه طاهر پادشاه ملک کند
 بسیاری از اماره و سپاهی ملک شوند و انکار شد آفت
 رسد و برف و برف بسیار بود و در تابستان غله و گشت
 نیکو بود و اگر بجانب مغرب و بهر شود و ستمت لجه
 و نیکو از امان و ملک بسیار و این سال فصل غم
 در حکم حربه اگر در این ماه حربه بجانب مشرق پیدا شود
 و لالت کند که مرد و بزرگوار بر پادشاه خود غلبه کند و لالت
 خراب کند و پادشاه او را ملک کند و اگر بجانب مغرب
 و بهر شود و لالت کند که در ولایت فتنه و طاعن شود
 فصل دهم و حکم سحری اگر در این ماه سحری
 و بجانب مشرق پیدا شود و لالت کند که در آخر سال
 در ولایت مشرق فتنه و خونریزی و آشفتگی باشد
 و اگر بجانب مغرب و بهر شود و این ماه فتنه و ستمت لجه

فصل ۹

فصل ۱۰

و از پادشاه

۱۲۲ و از پادشاهان عدل و انصاف واقع شود و بهر ارزانی
 فصل یازدهم و حکم عجب اگر در این ماه عجب
 در آسمان پیدا شود و لالت کند که زنان حامله بچه بسیار
 افکنند و مردم با هم خصومت کنند و تجارت زبان مال از روزگار
 فصل دوازدهم و حکم شخصی که در این ماه از هوا
 پیدا شود و لالت کند بر ستمی زستان و نیکی طعام و شفا
 و لالت و بهر لجه و پادشاه و لشکران ملک شوند و لالت
 خراب شود و باقی مردم بگریزند فصل سیزدهم
 و حکم رعد اگر در این ماه رعد بفرود لالت کند و خیر
 و خونریزی بسیار و آشفتگی و لالت و اندوه مردم و آگاه
 تا فصل اندر لجه احکام مذکور و سال آینه لجه و آخر سال
 باران لجه و صلح و این بی بدید فصل چهاردهم و حکم
 برف اگر در این ماه برف بچید و لالت کند بر هفتک و نیکی و خیر و برف

فصل ۱۱

فصل ۱۲

فصل ۱۳

فصل ۱۴

و از پادشاه

مصر و بابل و ایران و زیارت آبر و غله و نبات زمین بسیار
 ۱۲۳
 و در تابستان مرک و بیماری بعد فصل بیستم
 در حکم صاعقه اگر در این ماه صاعقه پیدا شود و لا
 برشته و خورنبری و خصوص شاعن با هم و نا ایمنی و خشن
 عمارات از آتش و غم و اندیشه در مردم بعد فصل بیست و یکم
 بیست و هشتم در حکم باران سخت اگر در این ماه
 باران سخت بیاید و دلاست کند که مردم در درجه
 بعد و غله و زرع بسیار و فرادان بعد و اگر بعد بسیار و مرک
 مفاجات و بیماری صعب بعد فصل بیست و نهم
 در حکم کند اگر در این ماه که بیاید و دلاست کند
 که خبر و برکت و جمعیت و عدل پادشاه بر رعیت
 و انصاف و غله و حبوبات و تجارت اندرین سال منفعت
 فصل نهم در حکم خاک سرخ اگر در این ماه خاک
 سرخ بیاید

ذل ۱۵
 ذل ۱۶
 ذل ۱۷
 ذل ۱۸

سرخ بیاید و دلاست کند بر آفت چهار پایان و بیماری
 ۱۲۴
 بسیار و اندیشه مردم از جور پادشاه و نا ایمنی و آفت
 مردم اما غله و نبات زمین بیکو بعد فصل نوزدهم
 در حکم و زرع و گرم اگر در این ماه و زرع و گرم بیاید و دلاست
 کند که قحط و تنگی و غم و اندیشه بسیار بعد و کرانه و بیماری
 صعب و جور پادشاه بر رعیت و مضرت تجارت بسیار
 و زوان بعد فصل بیستم در حکم عیار اگر در این ماه
 عیار پیدا شود و دلاست کند بر نا ایمنی و دلاست و شکست
 و خصوص ملک با هم و خورنبری بعد و در آخر سال
 در میان ایشان صلح افتد و غله و نبات زمین بسیار
 باشد و کسب و معیشت مردم بیکو بعد فصل بیست و یکم
 بیست و یکم و یکم در حکم نارنگی اگر در این ماه نارنگی
 پیدا شود و دلاست کند بر خیر و صلاح و دلاست و عدل
 پادشاه بر رعیت

ذل ۱۹
 ذل ۲۰
 ذل ۲۱

۱۲۵ پادشاه بر رعیت و مکی کشت اما در آخر سال برکت جنت

فصل ۲۲

بعد فصل بیست و دوم در حکم باند اندرا
اگر در این ماه باند اندرا است بزرگدلا کند که در آن دیار

باران بیاید و غله و نبات زمین نیکو بید و بخار و بخت

فصل ۲۳

رسد و کشت بهار غنی شود و فصل بیست و سیم

در حکم باند اندرا اگر در این ماه باند اندرا است

کند که پادشاه مغرب لشکر جمع کند و کرب رو و لشکر

بباران شود و در شرقی قطع و نگی بدید و رعیت

از پادشاه معصومه رسد و در آخر سال احوال مردم نیکو

فصل ۲۴

فصل بیست و چهارم در حکم باند اندرا

اگر در این ماه باند اندرا است بزرگدلا کند که در

مقاجات و بیماری صعب و غم و اندوه مردم و باران

بیاید و در پادشاه و رعیت و غله و نبات و باران

و رعیت نیکو

۱۲۶ و اینکین بعد و از پادشاهان بر رعیت عدل و انصاف

فصل ۲۵

بدید و فصل بیست و پنجم در حکم لرزه زمین

اگر در این ماه لرزه زمین بدید و دلا کند که در این

سال مردم بخت و سلامت باشند اما کوهکامرا

بیماری بسیار و لشکر باند اندرا و خورنیزی

بزرگ و در آخر سال تنگی طعام و اخلاف احوال مردم

و آشفته و زلزله و خورنیزی و باران بسیار

باب دوازدهم برومی و بخارسی سفید

ماه اماند اندک شباط بیست و شش روز است سال

سال چهارم بیست و نه روز و بعد از این ربع سال

جمع آیند و در روز بیستم از وی سعد الوله بدید و طوفان

فرود شود و در روز بیستم از وی سعد السعد و بر آید و جبهه

فرود شود و در روز بیستم ناچار باران ببارد و باران

و رعیت نیکو

و چون از شباط مصلحت روز بگذرد و چهره مردم بپوشد و خندان
 و چون روز بیست و یکم بگذرد و چهره مردم بپوشد آفتاب بود
 و روز پانزدهم این ماه زمین گرم گردد و بن نبات و گشت
 ممکن گردد و بار فیل و خشان آبش جستن گردد و در خشانها
 از هم بشکافند و گل و برکه پیدا کنند و در این ماه بارندگی
 بسیار بود و باد در حرکت آید و صدم کشته شود
 و آب در چاهها بگذرد و پیر خزون و گوشت صید و گوشت
 مرغان و میوه های خشک خورون و الا حلوانه اندک
 باد خور و بجمام اندک باد رفت و جماع اندک باد کرد
 ناس و دست باشد فصل اول در حکم کسوف
 اگر در این ماه کسوف آفتاب بود و ولایت کند بر خط
 ولایتها و تنگی بود و باران کم بار و در راه پنهان مانع
 بسیار بود و هر که چهار یا پان بود و در ولایت ناک
 خوار چیده شد

فصل ۱

خوار چیده شود و باد شاه ملک کند و ولایت
 خراب کند و در این و باریم و آشفته و خورنری
 و خط و تنگی بود و مردی سپاه از خوار چیده باد و شاه
 بپوشد و در ولایت فارس مملکت بروی قرار
 کرد و فصل دوم در حکم خسوف ماه اگر
 در این ماه خسوف ماه بود و ولایت کند که هم و باران و
 مای و مرغان آید و حال کسوف و ان تنگی بود و گوشت
 و سبزه و نبات و آبکیان بسیار بود و اگر بوفت
 خسوف خاکه کون بود یا همه گرفته بود و در میان
 کفار و اهل اسلام فتنه و خورنری بود و تا این
 از سبب و زوان و اگر زنگش سرخ بود خار چیان
 بر ولایت غلبه کند و گرانند و خورنری بود و اگر
 بنه شب گرفته بود و در ولایت مصر خورنری بسیار
 و اندک مردم بود

فصل ۲

۱۲۹ و اندوه مردم بجه و در ولایت بابل مردمان بسیار
پیدا و اگر نزدیک صبح گرفته بود کشتنهای بزرگه غرق
شد و فصل سیم در حکم دانه آفتاب اگر
در این ماه دانه آفتاب بجه ولایت کند به بیماری
وزکام نزله و نم و باران و زلزله آید و بهار و نبات
و غله بسیار بجه و از پادشاهان بر عیبت عدل و انصاف
بود و فصل چهارم در حکم دانه ماه اگر در این ماه
دانه ماه بجه ولایت کند به بیماری پیره زنان و بایان
ببار و زلزله آید و غله و نبات زمین و میوه و پادشاهان
بر عیبت عدل و انصاف بجه و این سال بجه
فصل پنجم در حکم ماه نو اگر در این ماه ماه است
بر آید ولایت کند به سرهای سخت و برف و یخبندان
ببار و اگر یکجانب وی برخاسته بجه بیماری

وَل
۳

وَل
۴

وَل
۵

ابو باران

ابو باران و زلزله آید و کشتن بزرگ بود و فصل
ششم در حکم شماره کسودار اگر در این ماه شماره
کسودار بر آید ولایت کند به مردم پادشاهان بزرگوار
و خوشنوی و در میان ایشان و داناتان و آشفته بود
و آبها زبان کرد و باران کم شود و میوه اندک و بارهای
آشفته بسیار بجه و غرق کشتنهای آخال بود
فصل هفتم در حکم افشان شماره اگر
در این ماه شماره بیفتد ولایت کند که مرد و بزرگوار
بجه و و دیگری بجای او نشیند و مرد و این زمین
زند و این ولایت و کسب بخارند بود
فصل هشتم در حکم قوس و فرخ اگر
در این ماه قوس و فرخ یکجانب مشرق بر آید ولایت
کند که امر او خاصان بر پا و شاه بود و اگر یکجانب

وَل
۶

وَل
۷

وَل
۸

وید

و پدید شود و دلالت کند که پادشاه دشمنی عظیم پیدا
 شود و پاران بسیار و آبرها فراوان بود و غله و نبات
 بسیار کسب و معیشت مردم و ایمنی و منفعت
 تجارت و هلاک پادشاه در ولایت مجربان بود
فصل نهم در حکم صاعقه اگر در این ماه صاعقه
 پدید آید و دلالت کند بر هلاک پادشاه بزرگ و اشتغال
 ولایت و مضرت مسافران تجارت بسبب وزون
 و غم و اندیشه مردم و هلاک چهار پاپان و نایبانی و لایق
 بود و خاصه در اول سال **فصل دهم در حکم**
 باران سخت اگر در این ماه باران سخت بسیار و دلالت
 کند بر تنگدستی سال و ایمنی مردم و سلامتی و فراخی نعمت
 و بسیاری کسب و معیشت و عدل و انصاف پادشاه
 بر رعیت و حرمان از او بود و **فصل یازدهم**
 در حکم

ذیل
 ۹

ذیل
 ۱۰

ذیل
 ۱۱

در حکم قندک اگر در این ماه قندک سخت بسیار و دلالت
 کند بر غم و اندیشه مردم آذین و در آخر سال قحط و ظلم
 پادشاهان بر رعیت و کی غله و حبوبات و زحمات تجارت
 بسبب وزون و راه زنان فصل و ازدوهم
 در حکم خاک سرخ اگر در این ماه خاک سرخ بسیار و
 دلالت کند بر تشویش راهیان و تجارت بسبب بیم و در
 ولایت یا بل قحط و تنگی و نایبانی بود و فصل
 سیزدهم در حکم وزغ و کرم اگر در این ماه وزغ
 و کرم بسیار و دلالت کند بر گرانندگی و زحمت و کسب چهار پاپان
 و بیماری صعب مثل سرسام و پراسام و مرگ زنان
 و کودکان بود و فصل چهاردهم در حکم غبار
 اگر در این ماه غبار پدید آید و دلالت کند بر جنگ
 و خصومت مردم با هم و فوت پادشاه و ضعف
 حال رعیت

ذیل
 ۱۲

ذیل
 ۱۳

ذیل
 ۱۴

۱۳۳ حال رعیت از چو پادشاه دور آخر حال مردم بگوید
 و کس و این ولایت بدید آید فصل پنجم
 در حکم ناری اگر در اینگاه ناری در مراد پیدا شود
 کند بر مکه چار با بان و بسیاری جویات و نیات
 و غله در آخر سال و بخار کس بگوید و این ولایت
 بود فصل ششم در حکم پادشاه اگر در اینگاه
 پادشاه بود ولایت کند بر کشته شدن پادشاه
 آن ولایت و فتنه و آشفتگی آید و نیای مهیوه و بخار
 از روز و زوان هم بود و آخر بگوید فصل هفتم
 در حکم بانک از مراد اگر در اینگاه بانک از مراد بشوند
 ولایت کند بر سرهای سخت و کی مهیوه و خبر از آن
 و خضر است پادشاهان مشرق با هم و صنعت حال
 رعایا از لشکر بان و کی معیشت و نا امانی انداخت
 فصل هجدهم

ذل
 ۱۵

ذل
 ۱۶

ذل
 ۱۷

۱۳۴ فصل هجدهم در حکم بانک از زمین اگر در اینگاه
 بانک از زمین بشوند ولایت کند بر کی نیات و خشک
 سال و کراخ و خروج خوارج بر مکه و آشفتگی و ولایت
 بسبب و زوان و اندیشه مردم بود فصل نوزدهم
 در حکم لرزه زمین اگر در اینگاه لرزه زمین بود ولایت
 کند بر غلبه و زوان و پادشاه بکشد و کشته و ترس و آشفتگی
 و بیماری بسیار و خرابی شهر و اما در آخر سال احوال
 مردم بگوید و نعمت بسیار و در ولایت کفار مکه
 بسیار و خطی بود و اگر لرزه بکشد بود پادشاه
 از جای خود بجای دیگر رود و آن ولایت خراب
 کند و در میان مردم فتنه و آشفتگی و هم بود و مکه از آن
 و آبهای فراوان و غله و نعمت بسیار بود فصل
 بیستم در حکم حربه اگر در اینگاه حربه بجای
 منفعت

ذل
 ۱۸

ذل
 ۱۹

ذل
 ۲۰

۱۳۵
 مشرف به است و دلالت کند بر مک افغانم و بهانم
 و باران بسیار و تنگی طعام و کثرت و دو دوام و در آن
 سال مردم امضت رسد خاصه در ترکمان و اگر چه
 بجانب عرب بود و میان مردم گفتگو و خصوصیت
 بسیار افتد و اخبار را ارجیف گویند و در ملک عرب
 محاربه و خصوصیت افتد و اهل اسلام را قوت باشد
 و باخر کار خراج و در فصل بیست و یکم در حکم
 سرخی آسمان اگر در این ماه سرخی در آسمان بجانب
 مشرق باشد دلالت کند بر کثرت ابر و باران اگر
 بیاب باشد و روز سخت تاریک بود و دلالت کند
 بر ملک پاک شاه بزرگ و در آن سال و اگر سرخی بجانب
 مغرب باشد آنچه گفتیم در مغرب شود فصل
 بیست و دوم در حکم عجائب در آسمان
 اگر در این ماه عجائب

فصل
 ۲۱

فصل
 ۲۲

۱۳۶
 اگر در این ماه عجائب در آسمان دیده شود در آن سال
 زنان عاظمه را کچه بسیار افتد و مردم را با یکدیگر قتل
 و محاربه بسیار بود و تجارت مضرت از قطاع الطریق
 بود فصل بیست و سیم در حکم شخص اگر
 در این ماه شخصی در راه اظهار کرد و دلالت کند بر ملک
 پاک شاه بزرگوار و کثرت قتل و تاراج و آذینار و غم و
 اندیشه مردم از فحشاء و ناپی و کثرت ریج رسیدن
 بر عیبت از کندی آن فصل بیست و چهارم
 در حکم رعد بسیار اگر در این ماه رعد بسیار بود
 دلالت کند بر کثرت انور و مویه و در آن سال و اگر
 سخت عرق هم بود که ماه پنهان که چند روز از او
 که نشسته باشد استیجار نیکو آفت رسد از خدا
 و اگر وقتی عرق که ماه زائد انور باشد که بسیار
 باشد و غله

فصل
 ۲۳

فصل
 ۲۴

۱۲۷ باشد و غله و میده کم بود و اگر الا ناقص التور بود و آنچه
 کفیم و رسال آینه بود و کفنه اندک اگر رعد لغزو
 ماه ناقص التور بود و لالت کند که انور و غله و این
 سال بسیار بود و فصل بیست و پنجم و حکم
 برین اگر در این ماه برین بدخشد و لالت کند که
 در این سال باران کم بارود و ابر فراوان بود و آبها
 فراوان باشد و غله و نبات زیاده بسیار بود
 و مردم راکب و معیشت و این بود و منفعت
 بآنرا رسد و نیز و لالت کند که پادشاه بزرگی در
 مجوسان کشته شود
 قد فرغت من کتابه هذه النسخة
 الشريفة والله اعلم بصحة ما فيها
 انه لا يعلم الغيب الا الله تعالى

ذل
 ۲۵

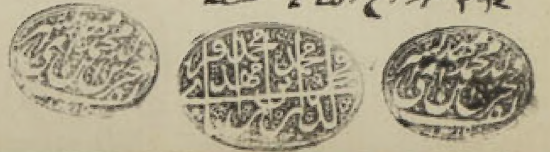
قیام



۱۲۸

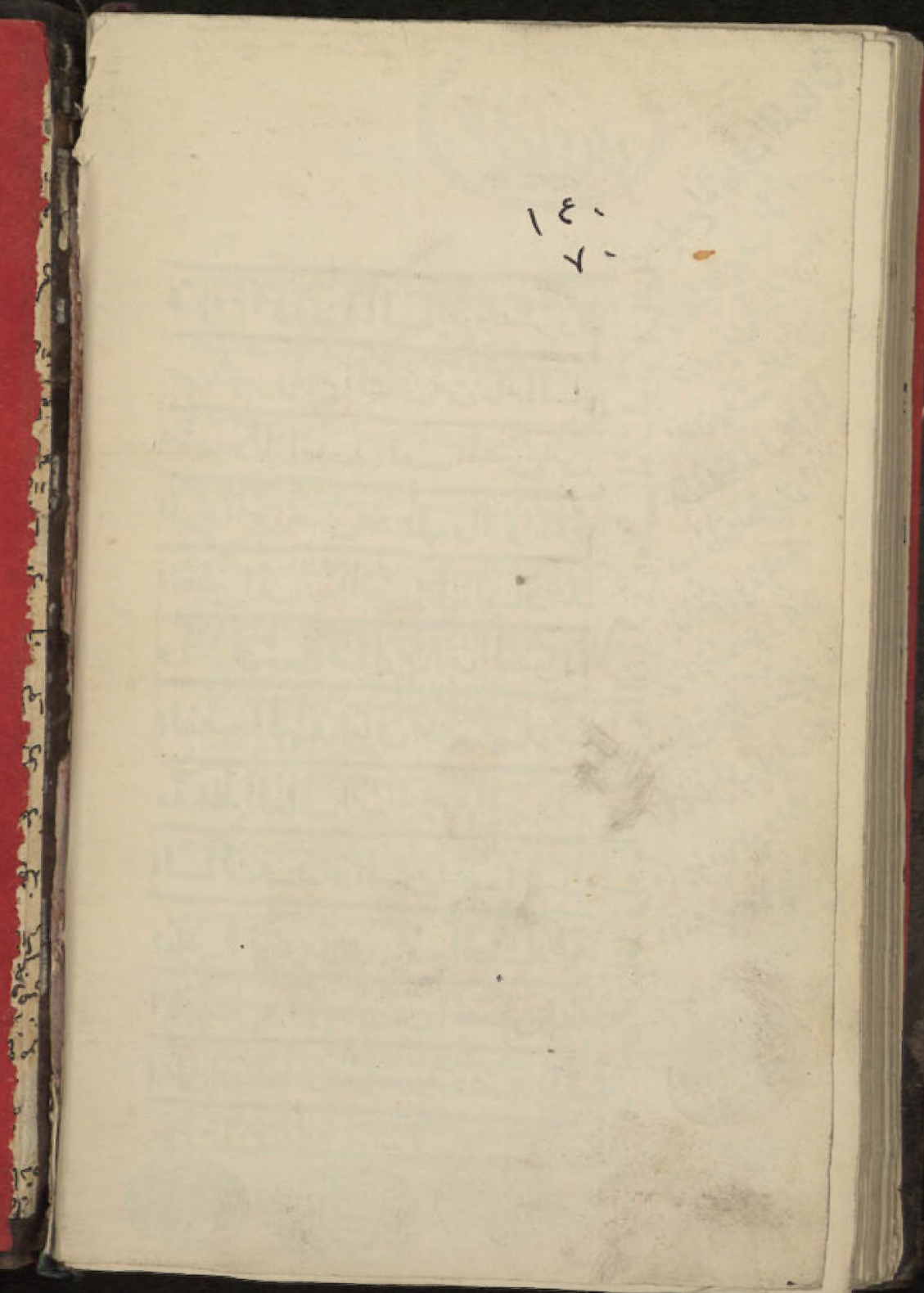
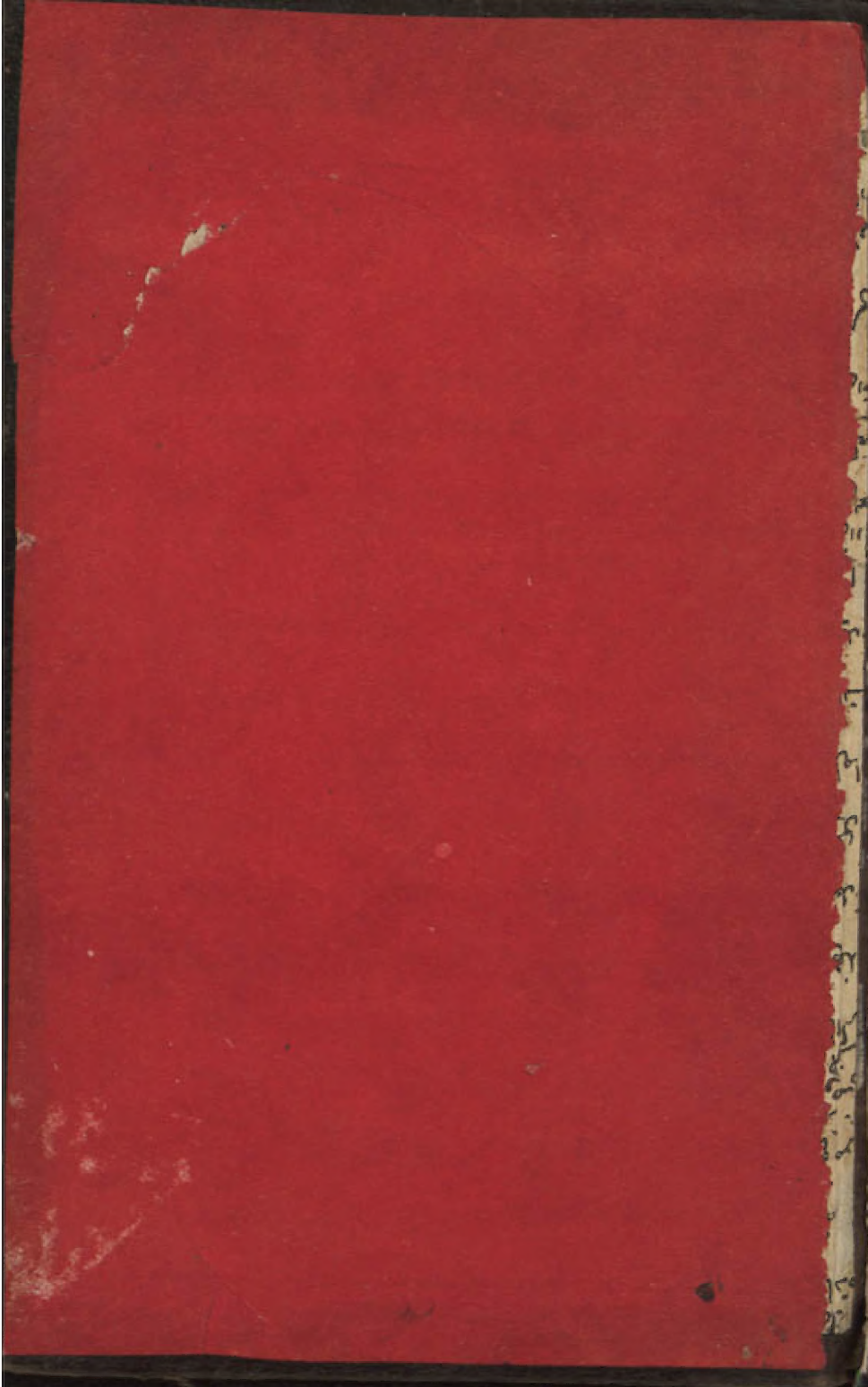
في يوم الاحد السابع والعشرون
 من شهر ربيع الثاني من عام السابغ
 عشر وثلاثمائة بعد الف المضي من
 هجرة النبي صلى الله عليه واله وانا الحفي
 الفقير الى الله الغني اقل العباد عملا
 واكثرهم خطا فخر الدين ابن المحض الملقب
 الفقيه المجتهد افاني افاض محمد ممدی
 مد ظله العالی ابن المرحوم المبرور
 الساكن في دار السر ورجحة الاسلام
 افاني اخوند ملا محمد باقر الفشاونی
 الاصل و الاصفهانی المسکن والمدين
 اعلى الله تعالى مقامه و توفيقه مرثدا

۲۹ شهر ربيع الثاني سنة ۱۲۸۵



کتابخانه مجلس شورای ملی
 تاسیس ۱۲۸۵
 ۱۲۸
 در این کتابخانه
 ثبت شده است
 تاریخ ثبت
 ۱۳۰۰
 شماره ثبت
 ۱۲۸
 در این کتابخانه
 ثبت شده است
 تاریخ ثبت
 ۱۳۰۰
 شماره ثبت
 ۱۲۸







خطی